



## فهرست مطالب

- ۲ یادآوری تاریخی به مناسبت هفتادمین سالگرد کودتای خائنانه و ضد ملی ۲۸ مرداد ۳۲.....
- ۳ نگاهی به کتاب ارزشمند «کودتا» به مناسبت هفتادمین سالگرد فاجعه ۲۸ مرداد ۳۲.....
- ۴ به مناسبت هفتادمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲.....
- ۵ سخنانی از «دکتر ناصر زرافشان» در مورد هفتادمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.....
- ۷ سخنی در مورد اپوزیسیون وابسته و قلابی.....
- ۸ چرا گوش شنوا و اراده‌ای برای حل مشکلات کارگران وجود ندارد؟.....
- ۹ گزارش کوتاهی در مورد وضعیت اسفناک کنونی ایران.....
- ۱۰ در جبهه نبرد طبقاتی اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در مرداد ماه.....
- ۱۴ ایران بخاطر ظرفیت ژئوپلیتیکی خود به عضویت بریکس درآمد.....
- ۱۵ باز هم خودکشی یک کارگر در پتروشیمی.....
- ۱۶ نقدی بر «منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران» (پایان).....
- ۱۷ یادی از رفیق «ذولفقار عمرانی تبار».....
- ۱۸ هیولای تورم و تأثیرات آن بر معیشت مردم.....
- ۱۹ «پریگوژین» ساده‌لوح بود!.....
- ۲۰ نگاهی گذرا به تاریخ و وقایع کشور روسیه از ابتدای قرن بیستم تا به امروز.....
- ۲۲ یک حمله تروریستی دیگر در «شاهچراغ» شیراز.....
- ۲۳ «کار خودشونه»، پوششی برای حمایت از تروریسم.....
- ۲۵ قیام مردم آفریقا علیه استعمارگران فرانسه.....
- ۲۶ به مناسبت سی و پنجمین سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۶۷.....
- ۲۷ برگی از تاریخ.....
- ۲۸ ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۲۹ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
- ۳۱ پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



## یادآوری تاریخی به مناسبت

## هفتادمین سالگرد کودتای

## خائنانه و ضد ملی ۲۸ مرداد ۳۲

شنبه ۲۸ مرداد هفتادمین سالگرد کودتای ننگین است. ۷۰ سال پیش در چنین روزی کودتای خائنانه، ضد ملی و امپریالیستی با مداخله سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس در میهن ما به وقوع پیوست. در سراسر مدت استبداد و خودکامگی سلطنت «محمد رضا شاه»، تا انقلاب بزرگ دموکراتیک و مردمی، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بهمن، که بدست توده‌های میلیونی مردم، رژیم وابسته به امپریالیسم را در ایران سرنگون ساخت و سلطنت را برای همیشه در ایران به مزبله تاریخ سپرد، تبلیغ می‌شد که این روز، «روز تاریخی قیام ملی» مردم ایران بر ضد دولت خائن «دکتر محمد مصدق» بوده است. میدان‌ها و خیابان‌ها را به این نام نامیدند. تاریخ ایران را جعل کردند و در مدارس و مناسبت‌های عمومی تدریس کردند و جار زدند، تصویر شاه را از در و دیوارها آویزان کردند و در سینماها به نمایش گذاردند؛ مردم را مجبور کردند تا در مقابل تصویر شاه با نواختن سرود شاهنشاهی - که آنرا سرود ملی ایران جا می‌زدند - از جای برخیزند و به حالت احترام خبردار بایستند.

«محمد رضا شاه»، گماشته امپریالیسم و نوکر کنسرسیوم جهانی نفت را «شاه شاهان، خدایگان آریامهر» نام نهادند و با شعار «خدا، شاه، میهن» مقام وی را بالاتر از میهن ما ایران قرار دادند. روزنامه‌ها و کتابخانه‌های شاهنشاهی برپا کردند، جعلیات در مطبوعات سانسور و خودفروخته منتشر کردند، آزادیخواهان را کشتند و به سینه دیوار گذاردند، ساواک را به جان و مال ناموس مردم مسلط ساختند، حتی مجلس شورای ملی قلابی را تحمل نکردند، آنرا مدت‌ها تعطیل ساختند و اراده و خودکامگی شخص شاه را بر سرنوشت مردم ایران حاکم نمودند و... ولی نتوانستند کودتای خائنانه ۲۸ مرداد سال ۳۲ را به عنوان «قیام

ملی» جا بیندازند. آنها در حکومت بودند، همه امکانات را در اختیار داشتند، حمایت امپریالیست‌های «دموکرات» جهانی را در پشت سر داشتند، ولی نتوانستند داوری واقع‌بینانه و انقلابی مردم ایران را در مورد ماهیت رژیم خودفروخته «محمد رضا شاه پهلوی» و «رضا خان» مستبد و نوکر امپریالیسم انگلیس تغییر دهند.

اکنون سلطنت‌طلبان تحت رهبری «رضا پهلوی» با سوء استفاده از استبداد مذهبی و مصیبت حاکم در ایران به مصداق اینکه مورچه‌ها شاه دارند، زنبورها شاه دارند، پس چرا ما شاه نداشته باشیم، در تلاش‌اند که یک شکل حکومتی فرسوده و پوسیده تاریخی را از گور تاریخ با یاری «سیا» و «موساد» به‌در آورند و ملتی را وادار کنند که نسل‌ها در نسل‌ها مخارج گزاف مشتی طفیلی بی‌مغز را، که هنرشان در برپائی عشرت‌کده‌های درباریست، پرداخت کنند. به اعتبار خویشاوندی خونی صرف نظر از درجه کیاست و یا سفاهت‌شان بر میلیون‌ها مردم حکم برانند و به ریش‌شان بخندند و مشتی روشنفکر خودفروخته با صله و درهمی را در مدح پادشاهی به خدمت بگیرند تا مردم کشورشان را شستشوی مغزی دهند و به آنها بقبولانند که ایرانی جماعت «شاه‌دوست» است و «نوکر صفت»! اصلاح‌طلبان غرب‌گرا نیز این روزها تحت رهبری «موسی غنی‌نژاد» به میدان آمده‌اند، تاکتیکی و در حرف «مصدق» را «فردی دموکرات» می‌دانند، اما منش و رفتارهای او را نه دموکراتیک، که «پوپولیستی» به شمار می‌آورند و نتیجه عملکرد او را در جریان ملی کردن صنعت نفت بی‌شرمانه «زیانبار و بر ضد منافع ملی مردم ایران» ارزیابی می‌کنند. «موسی غنی‌نژاد» منش «مصدق» در ترجیح «مصلحت» بر «قانون» را به عنوان گفتمانی «ضد دموکراسی» مورد نقد قرار می‌دهد و اساساً اعتقادی به «کودتا» در سال ۳۲ ندارد و به تطهیر مداخله امپریالیستی و سرزنش «دکتر مصدق» و نفی جنبش ملی ایران می‌پردازد. این خائنان امروز در صحنه سیاسی ایران به هویت‌زدایی و نفی مبارزه ملی و ضد امپریالیستی مشغول‌اند و مُبلغ سرسپردگی به اجانب هستند. روحانیت حاکم نیز با دفاع بی‌شرمانه از «آیت الله کاشانی»، این همدست امپریالیسم و حامی کودتای ۲۸ مرداد، حرفی برای گفتن ندارد، سکوت مرگ پیشه کرده است.

ننگ بر دودمان پهلوی و همه اراذل و اوباش روشنفکری و اصلاح‌طلبی و روحانیت مرتجع، که بر ضد «محمد مصدق» از این کودتای خائنانه حمایت می‌کنند و برای احترام به جهالت و نادانی و جعل تاریخ قلم می‌زنند، استعدادهای خویش را بکار می‌گیرند، تا زمینه جنایات بعدی را فراهم سازند. در مقابل این جبهه ارتجاعی باید ایستاد ضمن محکوم کردن این کودتای ننگین و نواستعماری از نقش تاریخی و مبارزه «دکتر محمد مصدق» علی‌رغم ضعف‌ها و اشتباهاتی که داشته است، حمایت کنیم.\*

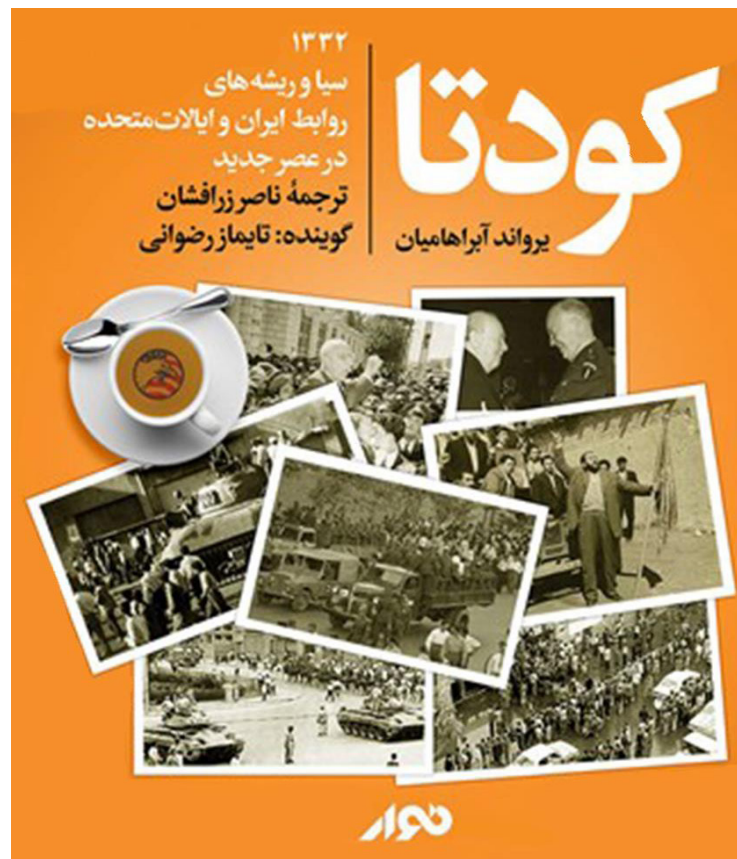
### نکاتی چند پیرامون کودتای ۲۸ مرداد

کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ لکه ننگینی در تاریخ ایران است که به سرنگونی دولت ملی «دکتر محمد مصدق» منجر شد. کودتای ۲۸ مرداد، که در ظاهر به فرماندهی «سرلشکر زاهدی» انجام شد و شاه و طرفداران اش آن را «رستاخیز ملی مردم ایران» نامیدند، در حقیقت چیزی جز یک عملیات جاسوسی با شرکت آمریکا و انگلستان نبود. «مصدق» توانسته بود با یاری مبارزه درخشان کارگران و زحمتکشان، که تحت نفوذ و رهبری حزب طبقه کارگر، حزب توده بودند، صنعت نفت را در ایران ملی کند و منافع انگلستان را، که پیش از آن بیشترین سهم را از نفت ایران در اختیار داشت، به خطر انداخته بود. از سوی دیگر ملی‌گرائی در ایران ریشه دوانده بود و اندیشه‌های ضدسلطنتی تحت تأثیر انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی و انقلاب‌های اروپائی میان روشنفکران ایرانی رسوخ کرده بود. «محمد رضا پهلوی» و خانواده فاسد سلطنتی منافع خود را در خطر می‌دیدند. روحانیون خائنی چون «آیت‌الله کاشانی» نیز با «مصدق» دشمنی می‌ورزیدند و به عنوان ستون پنجم امپریالیسم و استعمار عمل می‌کردند.

همه این‌ها در کنار هم آمریکا و انگلیس را به این نتیجه رسانده بود که «مصدق» باید از صحنه کنار برود. «محمد رضا شاه» این گماشته استعمار فرمان عزل «دکتر مصدق» را در ۲۵ مردادماه صادر کرد. زمانی که «مصدق» فرمان را دریافت کرد، قاصد و همراهش را بازداشت کرد و حکم را خلاف قانون اساسی دانست. بر اثر مقاومت مصدق، «شاه» به همراه همسرش «ثریا» از ایران گریخت و به رُم رفت. روزهای پرحادثه‌ای برای تاریخ ایران رقم خورد، اما در نهایت ۲۸ مرداد سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس موفق شدند مأموریت خود را به انجام برسانند. از صبح این روز تظاهرات علیه «دکتر مصدق» در خیابان‌های تهران شروع شد، اعتراضات به دفتر روزنامه‌های طرفدار «مصدق» و حزب توده رسید و در پایان روز به خانه «دکتر مصدق» نیز حمله شد. در نهایت «دکتر مصدق» دستگیر شد و «فضل‌الله زاهدی» نخست‌وزیر بعدی ایران نام گرفت. در ادامه این رویداد سرنوشت دردناکی برای بیش‌تر اعضا و کادرهای حزب توده و جبهه‌ی ملی ایران رقم خورد و دوران تاریک دیگری در تاریخ ایران آغاز شد.

### درباره کتاب کودتا؛ مرداد ۱۳۳۲، سازمان سیا و ریشه‌های روابط کنونی ایران و آمریکا

کتاب «کودتا» اثر «پرواند آبراهامیان» با گاه‌شماری آغاز می‌شود که تمام حوادث منجر به کودتای ۲۸ مرداد و پس از آن را از سال ۱۲۸۰ تا شهریور ماه ۱۳۳۳، که قرارداد نفت با کنسرسیوم بین‌المللی بسته می‌شود، بیان می‌کند. خواننده می‌تواند با نگاهی به چند صفحه آغازین درک درستی از سیر



## نگاهی به کتاب ارزشمند «کودتا»

## به مناسبت هفتادمین سالگرد

## فاجعه ۲۸ مرداد ۳۲

ایران در طول تاریخ همواره در بستر حوادث گوناگونی بوده است. موقعیت جغرافیائی ایران در قلب خاورمیانه باعث شده است مناقشات زیادی بر سر میهن‌دوست داشتنی‌مان میان قدرت‌های امپریالیستی وجود داشته باشد. اسناد تاریخی زیادی وجود دارند که نشان می‌دهد بسیاری از اتفاقات در ایران با دخالت قدرت‌های استعماری رخ داده‌اند. این کشورها بارها و بارها برای دستیابی به منافع‌شان، ملت ایران را قربانی کرده‌اند. انگلستان و بعدها آمریکا بیش‌ترین تأثیر را در تاریخ ایران در زمان سلطنت قاجاریه و پهلوی داشته‌اند. یکی از نقاط عطف تاریخ ایران، که سرنوشت این سرزمین را برای مدت‌ها تحت تأثیر خود قرار داد، کودتای ننگین بیست و هشت مرداد است. «پرواند آبراهامیان» در کتاب «کودتا» پرده از نقش دولت‌های بیگانه در این اتفاق تاریخی برمی‌دارد.

\*\*\*



## به مناسبت هفتادمین سالگرد

### کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲

دیدار پنهانی شاه و مأمور بلندپایه CIA پیش از کودتا؛  
**شاه:** من مانند پیامبر اسلام هجرت می‌کنم.  
**روزولت:** روحانیان درخواست پول‌های گزاف دارند.

«روزولت» [مأمور اجرائی عملیات آژاکس] پس از آن شب، چند ملاقات دیگر با شاه داشت (امرداد ۱۳۳۲). تدابیر لازم برای پنهان‌کاری کامل در همه رفت و آمدها به کار بسته می‌شد. در این ملاقات‌ها «روزولت» جزئیات نقشه‌ای را که مأمور اجرای آن بود، به شاه اطلاع داد. این بحث هم پیش آمد که اگر در اجرای نقشه اشکالاتی پیدا شد، چه باید کرد؟

**شاه:** فکر این احتمال را هم باید بکنید.

«روزولت» پاسخ داد: «با محکم‌کاری‌هایی که شده است، احتمال شکست بسیار ضعیف است»....

**شاه:** «اگر چنین اتفاقی بیفتد، می‌توانم بروم شیراز که به اندازه کافی از تهران دور است و در آنجا امکان تحرک برای من فراهم خواهد بود.»

تاریخی وقایع داشته باشد.

پس از آن، نویسنده معرفی مختصری از شخصیت‌هایی که در روند کتابش به آن‌ها اشاره می‌کند، ارائه کرده است. در این بخش نام افرادی مانند «علی اکبر اخوی» آخرین وزیر اقتصاد «دکتر مصدق»، «عبدالقادر آزاد»، مدیر روزنامه آزاد، «حسین اعلاء»، «معین الوزرا»، «دکتر حسین فاطمی» دست راست «دکتر مصدق»، «سپهبد رزم‌آرا» و بسیاری دیگر آمده است. اطلاعات مختصری که در آغاز کتاب درباره این افراد نوشته شده است، خواننده را یاری می‌کند تا در حین مطالعه کتاب به درک دقیق‌تری از وقایع دست یابد و مطالب کتاب برایش کارآمد باشد.

«یرواند آبراهامیان» در مقدمه کتاب به روابط ایران و آمریکا در طول تاریخ اشاره می‌کند و ریشه اختلاف امروز دو کشور را در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که به سرنگونی «دکتر مصدق» منجر شد، می‌داند. «آبراهامیان» در مقدمه، هدفش از نگارش کتاب را اینگونه توضیح می‌دهد: «هدف کتاب حاضر توان آزمائی دو تفکر متفاوت است. نخست نظریه‌ای که بر اساس عقلانیت متداول است و می‌گوید انگلیسی‌ها با حسن نیت با ایران مذاکره کردند و ایالات متحد تلاش‌های جدی به عمل آورد تا به عنوان یک میانجی خیرخواه عمل کند، ولی «مصدق» به دلیل آشتی‌ناپذیری‌ای که داشت حاضر نشد به هیچ سازشی تن در دهد... دوم اینکه، کتاب حاضر عقلانیت متداول که کودتا را با قاطعیت در وضعیت جنگ سرد و در چارچوب منازعه میان بلوک شوروی و ایالات متحده، یا به عبارت دیگر، میان بلوک کمونیست و جهان آزاد قرار می‌دهد، زیر سوال می‌برد». سپس «آبراهامیان» در چهار فصل با عنوان‌های «ملی‌کردن نفت»، «مذاکرات ایران و انگلیس»، «کودتا» و «میراث» با جزئیات درباره کودتای ۲۸ مرداد صحبت کرده است.

«یرواند آبراهامیان» در پایان کتاب و در بخش کتاب‌شناسی به اسناد وزارت خارجه‌ی انگلیس و آمریکا، که در آن‌ها مطالبی درباره کودتای ۲۸ مرداد آمده است، اشاره می‌کند و اسناد دست‌اولی درباره این رویداد تاریخی ارائه می‌دهد. ما مطالعه این اثر ارزشمند را به همه جویندگان حقیقت و همه کسانی که دل در گرو رهایی مردم از ظلمت سرمایه‌داری و مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم دارند، توصیه می‌کنیم. \*

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری  
اسلامی به دست مردم



## سخنانی از «دکتر ناصر زرافشان» در مورد هفتادمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

«به شکل وقیحانه‌ای با تحریف تاریخ در زمینه کودتای ۲۸  
روبرو بوده‌ایم»

در هفتادمین سالگرد کودتای ننگین و ضد ملی ۲۸ مرداد، نشستی در  
تهران با عنوان «۲۸ مرداد؛ درد همیشه ماندگار!» با سخنرانی «لطف‌الله  
میثمی»، «ناصر زرافشان» و «هاشم آفاجری» برگزار شد. در زیر به  
سخنرانی بسیار آموزنده «دکتر ناصر زرافشان» توجه کنید:

\*\*\*

«کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران، واکنش آمریکا و انگلیس در  
برابر جنبش ملی شدن نفت بود. بنابر این، بخشی جدائی‌ناپذیر از  
تاریخچه آن جنبش، بخش نامبارک آن بود که به سرکوب جنبش  
مردم منجر شد. اما طی ۷۰ سالی که از این کودتا می‌گذرد از سوی  
برخی محافل و نهادهای سیاسی داخلی و خارجی به شکل وقیحانه‌ای  
با تحریف تاریخ در این زمینه روبرو بوده‌ایم؛ گرچه هرچه پیش‌تر  
گذشته واقعیات روشن‌تر شده است. این ماهیت تاریخ است. زمان  
قاضی بی‌رحم و منصفی است و امروز در وضعیتی نیستیم که حتی  
۱۰ سال پیش بودیم که حتی کسانی که نسبت به «مصدق» و ملی  
شدن نفت همدلی و همدردی داشتند، دچار توهم و اشتباه هستند  
که «مصدق» می‌توانست جز این کند که آثارش آثار کودتا نباشد و  
امروز ما در وضع بهتری باشیم.  
آنچه حساسیت داشت، هسته سخت و اصلی بحث بین «دکتر مصدق»

«روزولت»: «شیراز البته از نظر موقعیت جغرافیائی جای مناسبی  
است، اما این خطر را دارد که به قشقائی‌ها نزدیک است و ما  
نمی‌توانیم به آن‌ها اعتماد کنیم، چه قشقائی‌ها دشمن سر سخت تاج  
و تخت‌اند.»

شاه این نکته را پذیرفت و گفت: «اما اصفهان نیز همین عیب را دارد،  
پس چه باید کرد؟ بروم مشهد؟ آنجا خیلی دور است، آنجا به کشور  
روسیه نزدیک‌تر است تا به تهران.»

«روزولت» نام تبریز را بُرد و گفت: «در آنجا عناصر ضد مصدق قوی  
هستند و می‌توانند از شما پشتیبانی نمایند.»

شاه: «تبریز درست در تیررس شوروی‌ها قرار دارد. شاه کمی به فکر  
فرو رفت و آنگاه گفت: «پیغمبر ما از مکه به مدینه هجرت کرد تا  
بر حساسیت موضوع تأکید نهاده باشد. من نیز به عنوان یک مسلمان  
همین کار را خواهم کرد. پس از آنکه مقدمات کار فراهم آمد، من  
فرمان‌هایی را که باید امضا می‌کنم... آنگاه با هواپیما به کناره دریای  
خزر می‌روم و منتظر می‌مانم و اگر مشکلی پیش آید، همراه ملکه به  
بغداد پرواز می‌کنم تا معلوم شود که از آن پس چه باید کرد.»

در این ملاقات‌ها شاه و «روزولت» درباره عواملی هم که انتظار  
همکاری از آنان را داشتند، گفتگو کردند و پیش از همه صحبت از  
روحانیون در میان کشیده شد.

«روزولت»: «انگلیسی‌ها خیلی امید به همکاری آنها دارند، اما  
دوستان ایرانی ما، که نامشان را نمی‌آورم و فقط به نام مستعار  
«بوسکوی اول و بوسکوی دوم» از آنها یاد می‌کنم، اعتماد به مالاها  
ندارند و من خودم هنوز مُردد هستم. ما البته مطالعه خود را درباره  
آنها ادامه خواهیم داد، اما تاکنون آنچه از مالاها دیده‌ایم درخواست  
وجوهات گراف بوده است و من نمی‌توانم به اشخاصی که فقط  
برای خاطر پول حاضر به همکاری می‌شوند، اعتماد کنم. ما آدم‌های  
وطن‌پرست لازم داریم، نه آدم‌های مزدور!»

«روزولت»: «تردید درباره قابل اعتماد بودن مالاها از آن زمان حاصل  
شد که «هریمن» و «والترز»، (سفیر آمریکا و مترجم‌اش) با «کاشانی»  
به مذاکره نشستند.... ولی من کاملاً هم مأیوس نیستم و فکر می‌کنم  
که بتوانیم از آنها استفاده بکنیم.»

«خواب‌های آشفته نفت»، دکتر مصدق و نهضت ملی ایران -  
محمدعلی موحد - جلد دوم - صص ۸۰۵ - ۸۰۶ \*

بحث را به یک بحث حقوقی ساده تقلیل داده بودند که آیا به موجب قانون اساسی شاه می‌توانسته «مصدق» را معزول کند؟ گوئی ما با خرید و فروش یک باغ طرف هستیم که رستخیز یک ملت برای به دست گرفتن کنترل منابع طبیعی و ثروت‌های ملی خودش را به یک بحث ابتر حقوقی تقلیل داده‌اند، نه از این بیش‌تر، رستخیزی که بخشی از جنبش ملت‌های تحت ستم بعد از جنگ دوم جهانی است که بعد به تشکیل «اوپک» و قراردادهای ۵۰، ۵۰ منجر شد.

سال ۳۲ سالی نبود که کشوری، که همواره بریتانیا در آن دخالت داشت، پیش از تشکیل «اوپک» و جنبش‌های سه قاره خواهان کنترل بر ثروت‌های ملی خود باشد. اصلاً شاه کاره‌ای نبود و اصلاً طرفین دعوا شاه و «مصدق» نیستند. عامل اصلی سازمان‌دهنده کودتا در ایران این است که وقتی شاه زیر بار نوشتن نامه عزل «مصدق» و نصب «زاهدی» نمی‌رفت، به او گفتند: «این تصمیم گرفته شده است!» رستخیز یک ملت است. تحولات و زیر و زبر شدن‌های اجتماعی قواعد خاص خودش را دارد؛ نه تنها قوانین کهنه، بلکه شرایط مادی و اقتصادی، که این قوانین را به وجود آورده، هم از بین می‌برد.

کشوری که متولی این کودتاست و بعد از ۷۰ سال هنوز جان‌سختی می‌کند، اسناد و مدارکی را، که شریک دیگر (آمریکایی‌ها) یک بخشی از آن را رو کرده‌اند، هنوز در مورد کودتا رو نمی‌کند، برنامه‌های گذشته و می‌خواهد در مورد کودتا صحبت کند. بعد یک پادوی سابق حزب رستخیز را آورده‌اند با یک آفاتی که نماینده شورای مرکزی جبهه ملی بود و به گمان من آنطور که حق بود، جواب پادوی سابق حزب رستخیز را نداد که می‌گفت: «در مورد کودتا دو نظر هست که شاه کودتا کرده یا مصدق کودتا کرده است. هر پدیده و رویداد تاریخی را اگر بخواهی درست درک کنی باید در بستر طبیعی تاریخی بررسی کنی. یعنی با در نظر گرفتن همه شرایط و عواملی که آن جنبش را به وجود آورده و با در نظر گرفتن همه نیروهائی که در آن دخیل بوده‌اند. جنبش ملی کردن نفت را حتی نمی‌توان به چهارچوب ملی ایران محدود کرد. جنبش ملی کردن نفت بخشی از جنبش‌های مردم سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بعد از جنگ جهانی دوم است.

این قصه، که «ایران چین دوم است و پشت پرده آهین خواهد رفت»، قصه موهومی بود که بریتانیا بعد از خاتمه دوران ریاست جمهوری «ترومن» و روی کار آمدن دو برادر خبیثی که دچار هیستری شدید ضد کمونیستی بودند، ساز کردند، برای اینکه آنها را به همکاری برای کودتا در ایران تحریک کنند.

جنبش ملی کردن نفت ایران، اگرچه بخشی از جنبش مردم است، ولی به هیچ وجه داستان آنگونه که آن حضرات وانمود می‌کردند، رفتن ایران به پشت پرده آهین نبود. بیش از هر چیزی نیاز داریم از دیروزمان آگاهی باشیم؛ بفهمیم چه خبر بوده، چراغ راه امروز و آینده ما است.

و آمریکا و انگلیس، کنترل بر منابع ملی و ثروت ملی بود. خوشبختانه در ۱۰ سال اخیر و به خصوص سه چهار سال آخر به اندازه کافی مدارک و مستندات افشا شده که این توهم، که می‌شد بهتر از این اتفاق بیفتد را باطل کرده است. من متأسفم که هنوز این توهم در بین بعضی از دوستان وجود دارد. اما از کسانی که دوست دارند در این زمینه بیش‌تر آگاه شوند، دعوت می‌کنم کتاب «آبراهامیان» را بخوانند. یکی از مسائل اصلی مورد بحث در این کتاب این است که هسته اصلی بحث درصد دریافتی‌ها، وام گرفتن، چگونگی اداره نفت و مدیریت آن نبود؛ تمام یک سال و نیم آخری که به تصور خودشان سرگرم بازی با «مصدق» بودند، وقت می‌خریدند؛ تصمیم کودتا ابتدا به وسیله وزرای خارجه آمریکا و انگلیس گرفته شده و به امضای رئیس جمهور آمریکا «آیزنهاور» و صدراعظم انگلیس هم رسیده بود و فقط برای تدارکش وقت می‌خریدند.

به مرور که اسرار ۲۸ مرداد ۳۲ رو شد، چهره، سناریو و برنامه‌هایشان را عوض کردند. البته این طبیعی است که در هر جامعه طبقاتی هر جنبش مردمی دشمنانی هم دارد. صاحبان ثروت و قدرت و نظام سیاسی آنان، که تأمین کننده و نگهدارنده ثروت و قدرت آنهاست، در حفظ وضع موجود تلاش می‌کنند، چون این وضع موجود تأمین کننده و دربردارنده منافع‌شان است. اما این تضاد منافع دست کم از سده نوزدهم میلادی به بعد، که پدیده منحوس استعمار و قدرت‌های استعماری و امپریالیستی در نتیجه تحولات نظام سرمایه‌داری به وجود آمد، دیگر محدود به چهارچوب یک کشور نیست.

غالباً قدرت‌های استعماری بزرگ، که به منابع طبیعی، ثروت‌ها و بازارهای کشورهای مستعمره دست‌اندازی و تجاوز می‌کردند، در غارت منابع و ثروت‌های ملی با طبقات حاکم این کشورها شریک و متحد بودند. به همین دلیل در جنبش‌های رهائی بخش ملی، که پس از جنگ جهانی دوم در این گونه کشورها از طرف مردم پا می‌گرفت، شاهد هستیم طبقات حاکم، که سرگرم غارت ثروت‌های ملی هستند، معمولاً دست‌شان در دست قدرت‌های استعماری و نواستعماری و نیروهای ضد مردمی است و با آنها هم جهت هستند. در جنبش ملی کردن نفت ایران هم با همین پدیده روبرو هستیم.

من در طول سه دهه اخیر دست کم با سه سناریو طرف بوده‌ام. اول کسانی از قیام ملی صحبت می‌کردند و اصلاً بحث کودتا نبود؛ ملت قیام کردند برای اینکه پادشاه خودشان را برگردانند؛ زمانی که سرفصل «کودتای آمریکا در ایران» را در کتاب‌های درسی آمریکا تدریس می‌کردند. در شرایطی که وزیر خارجه آن کشور بابت کودتا در ایران عذرخواهی می‌کرد، هنوز ایرانیانی که کاتولیک‌تر از پاپ بودند، از قیام ملی صحبت می‌کردند. تا اینکه آنقدر مدارک و اسناد رو شد که واقعا دیگر این حنا رنگی نداشت.

آنوقت بحث دیگری را پیش کشیدند که شاه علیه «مصدق» کودتا نکرده، دربار یا آمریکائی‌ها علیه «مصدق» کودتا نکردند و «مصدق» علیه شاه کودتا کرده است. چطور پیرامون این عوامفریبی بحث می‌کردند؟ من معتقدم چهارچوب و بستر طبیعی آن فقط ایران هم نیست، بخشی از جنبش‌های رهائی بخش ملی کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره دنیا بعد از جنگ جهانی دوم است. اگر جنبش ملی شدن نفت در ایران خواهد درست بحث شود، در بستر طبیعی و با بررسی همه نیروهای دخیل و همه شرایطی، که موجب به وجود آمدن آن شد، صحبت کنند.

## چاره زحمتگشان وحدت و تشکیلات است!



# زن، زندگی، آزادی

## WOMAN LIFE FREEDOM

### ژن، ژیان، ئازادی

## سخنی در مورد اپوزیسیون وابسته و قلبی

آستانه سالگرد وقایع شهریور ماه سال گذشته یک بازبینی مبتنی بر واقعیات صورت گیرد و از آن درس آموخت، تا دوباره بخش‌هایی از جامعه در دام این حوادث‌سازی‌های اپوزیسیون وابسته به مراکز زر و زور جهانی نیفتد. در آنچه که نمی‌توان تردید داشت، این است که این اپوزیسیون بی‌اعتبارتر از همیشه گشته و بایسته است که آن را به فال نیک گرفت.

دوباره تأکید می‌کنیم سرنگونی نظام یک امر ملی است که باید در آن همه اقشار و طبقات اجتماعی به طور سازمان داده شده شرکت فعال کنند و تنها به نیروی خودشان متکی باشند و با دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی‌شان به طوری جدی و عملی مخالفت ورزند. این مبارزات طبیعتاً نیازمند تشکیلات و سازماندهی است که چه ما بخواهیم و یا نخواهیم ضرورتاً در زمین این جامعه و از درون آن جوانه زده و رشد خواهد کرد. این امر به زمان نیازمند است و مستلزم کار مستمر و طولانی است. «انقلاب» برخلاف تصور رایج به هیچ‌وجه امری ارادی نیست، بلکه امریست ضروری که انجام می‌گیرد و تابعی است از قوانین نبرد طبقاتی در عرصه کلان اجتماع. آنچه که ارادی است قصد و خواست آگاهانه مردم به امر تغییر بنیادی جامعه است که باید توسط رهبران برآمده از میان آنها هدایت و رهبری شود.

تنها طبقه‌ای که این رسالت را برعهده دارد، طبقه کارگر ایران است، طبقه‌ای که می‌تواند سلامت مبارزه را تضمین نماید؛ از اینرو می‌توان و باید به آن اعتماد کرد. اگر کسی این مسأله را درک نکرده و نفهمیده باشد، بدون تردید به همان سرنوشتی دچار خواهد شد که این اپوزیسیون قلبی به آن دچار گشته است. \*

سال گذشته در خصوص این اپوزیسیون وابسته، قلبی، خودساخته و بی‌ریشه خارج از کشور بارها نوشتیم که این ره، که اینها می‌روند، به ناکجا آباد ختم می‌شود. شاهد بودیم که چگونه در پارلمان‌های کشورهای اروپائی و در نهادهای امنیتی آمریکا و اسرائیل به در یوزگی افتادند به این امید که شاید در پارکاب تانک‌های آمریکائی بتوانند ایران را فتح کنند! شاهد بودیم که چگونه با تبلیغ و عادی‌سازی و تابوردائی از تجزیه کشور سخن راندند و تمامیت ارضی را مانعی در راه تحقق اهداف‌شان نشان دادند و در همین رابطه به احزاب و گروه‌های تجزیه‌طلب پا دادند و وجود آنها را برای استقرار «دموکراسی» در فردای ایران امری لازم و ضروری توجیه کردند. در همین رابطه لازم آمد تا با نمادهای ملی درافتند؛ همه اینها همراه شد با تبلیغ به امر «تخریب شرافتمندانه» و اعمال خشونت و تهییج و سازماندهی عوامل نفوذی تجزیه‌طلب و تسلیح آنان در جهت سرنگونی زودرس و... و این نمی‌توانست بدون ایجاد توهم در اذهان عموم ممکن شود؛ گفتند و تبلیغ کردند که عمر رژیم از طول عمر یک شمع کوتاه‌تر شده و تنها یک گام بیش تا سرنگونی نمانده است! همه اینها موجب شد تا فاجعه‌ای در ایران رغم بخورد که در تاریخ کشورمان ماندگار شد و یقیناً آیندگان از آن به نیکی یاد نخواهند کرد. امروز همین تلویزیون‌های وطن‌فروش، بدون شرم و حیا همان می‌گویند که ما در گذشته به کرات به آنها اشاره کرده‌ایم؛ جا دارد تا در

« از بین بردن قوانین کار و حذف قانون تعیین حداقل دستمزد و «توافقی» کردن دستمزدها بین کارگر و کارفرما!  
 « اجازه دادن به سرمایه داران برای استفاده از کار ارزان!  
 « کاهش هزینه های دولت از طریق حذف خدمات عمومی مثل آب، برق، گاز و خصوصی کردن بیمارستان ها، مدارس، دانشگاه ها، نیروگاه ها، فرودگاه ها، بزرگراه ها و غیره!  
 « اجازه فروش اموال و دارائی های کشور به بخش خصوصی!  
 « و بالاخره بنا به گفته امثال «موسی غنی نژاد» ها، رهاسازی کشور از هرگونه «اقتصاد دستوری» و جایگزینی «بازار آزاد» و به عبارت دیگر «اقتصاد» هر کی به هر کی به جای اقتصاد منظم و کنترل شده از طرف یک دولت مردمی!

دومین و مهم ترین هدف دنبال کنندگان سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و تجارت جهانی، خرد و متلاشی کردن طبقه کارگر به عنوان دشمن اصلی سیستم سرمایه داری بود که با تحمیل قوانین ضد کارگری، نظیر قراردادهای سفیدامضا، قرارداد موقتی، محرومیت کارگران از گرفتن حق سختی کار، پائین نگهداشتن حقوق و مزایا، نبود امنیت شغلی، دادن اختیار تام به کارفرمایان در رفتار با کارگران، دادن حق تعدیل نیروی کار به سرمایه داران و غیره و همراه با سرکوب خشن تظاهرات و اعتراضات کارگران و فرودستان و کشتار بی رحمانه نیروهای انقلابی بود که تا حدود زیادی در این کار موفقیت به دست آوردند!

با اعمال و اجرائی کردن چنین قوانین ضد کارگری و ضد انسانی و فقدان حزب نیرومند طبقه کارگر، چنان عرصه را به کارگران و زحمتکشان ایران تنگ نمودند که بعضی ها را مجبور به خودکشی و بخشی دیگر را وادار به خروج از کشور و کارمزدی در کشورهای همسایه نظیر عراق، امارات و قطر کردند و احزاب و سازمان های انقلابی و مترقی را با توسل به دستگیری و اعدام تاراندند و ضربه کاری به کمونیست ها و نیروهای انقلابی وارد ساختند!

با چنین سیاست خشنی سالیان درازی است که جمهوری سرمایه داری اسلامی کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار جامعه ایران را با گرانی ارزاق عمومی، پوشاک، مسکن و تورم بالای ۵۰ درصدی و با حقوق حداقلی، بیش از نصف جمعیت را به فقر و تنگدستی کشانده و رقمی برای کارگران و مزدبگیران باقی نگذاشته است. به جرأت می توان گفت که اکثریت عظیمی از مردم از بیمه و خدمات درمانی هم برخوردار نیستند!

سرمایه داران دزد و بی رحم، اعم از مکلاها در اتاق بازرگانی، بانک ها و بازار و معممین در حوزه های علمیه، با حجم گسترده ای از نشریات و رسانه هایی که در اختیار دارند، با تحریف و تحمیل و با سیاه نمایی و دروغ پراکنی، هیچگاه حقیقت را به مردم نمی گویند. آنها هرگز نخواهند گفت که اوضاع اسفناک و فاجعه بار اقتصادی سال های اخیر ناشی از پیروی از سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی غرب بوده که بالای جان مردم ایران شده است!!

بنابر این از این جماعت و از این رژیم ضد کارگری و ضد مردمی و با این سیاست های خشن نئولیبرالی هرگونه امید بهروزی و گوش شنوا داشتن، خیالی خام و سرابی بیش نخواهد بود. فقط با اتحاد و شکل های مستقل کارگری و توده ای شدن مبارزه است که می توان حکومت سرمایه داری را مجبور به عقب نشینی کرد. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! \*



## چرا گوش شنوا و اراده ای برای حل مشکلات کارگران وجود ندارد؟

پرسش مهم تر و با اهمیت تر از عنوان متن بالا این است که چرا این طبقه مولد نعم و ثروت جامعه از فقدان حتی یک اتحادیه صنفی مستقل به منظور دفاع از حقوق و منافع مشترک خویش، رنج می برد؟ اخیراً برآورد شده است که ۱۲ درصد از جمعیت نزدیک به ۸۸ میلیونی ایران را کارگران تشکیل می دهند که با احتساب خانواده هایشان، بیش از نصف ساکنان این مرز و بوم را شامل می شوند!

در پاسخ به پرسش اول مقاله باید گفت که سردمداران جمهوری سرمایه داری اسلامی ایران اعم از اصولگرایان و اصلاح طلبان و یا هر اسم کذائی و فریبنده دیگر، از اساس و از بطن، ضد کار و کارگر و سرسپردگان و نوکران سرمایه و سرمایه داری اند!! هیئت حاکمه نظام سرمایه داری ایران، چه عباپوشان و عمامه داران با مهر و تسبیح و با زهدریائی شان و چه فکل کراواتی های تیهکار و با ژست «روشنفکری و لیبرالی» شان، از دم خادمان سرمایه و معجری سیاست های اقتصادی خانمان برانداز «نئولیبرالی» بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مستقر در واشینگتن دی سی آمریکا، هستند!! این دو نهاد دزد و غارتگر، که در اوایل دهه ۷۰ میلادی توسط راهزنان بین المللی به رهبری «میلتون فریدمن» تئوریزه و اجرائی شد، با دو هدف مهم وارد عمل شدند!

اول: بتوانند با پرداخت وام هائی (تله وام) با شرایط کاملاً نواستعماری، منابع و مواد خام کشورهای وام گیرنده را غارت کنند که در تأیید این مدعا به چند مورد از شروط پرداخت وام، اشاره می کنیم:  
 حذف سهمیه ها و محدودیت های وارداتی به منظور گشودن بازار داخلی کشورها بر روی کالاهای خارجی و از این طریق غیرمولد ساختن و نابود کردن تولیدات داخلی کشور وام گیرنده!

« حذف یارانه ها در بخش های تولید و مصرف!  
 « آزادسازی بازارهای مالی و نرخ بهره!





## گزارش کوتاهی در مورد وضعیت اسفناک کنونی ایران

فضای عمومی ایران چگونه است؟

راه‌های غیرقانونی آن کم توجهی می‌شود و در بسیاری از مواقع کشور مقصد نیز با هر کیفیتی از وطن بهتر ارزیابی می‌شود. تا جایی که کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته‌ای همچون ارمنستان و گرجستان نیز به عنوان مقصد در نظر گرفته می‌شود.

۴- پرخاشگری، درگیری فیزیکی، تکدی‌گری، کارتن‌خوابی، اعتیاد، زورگیری و سرقت جز لاینفک زندگی مردم به شمار می‌رود به نحوی که کم‌تر کسی را می‌توان یافت که در طول فعالیت روزانه خود با مصادیق یکی از این معضلات مواجه نگردیده باشد. حداقل کفایت سر چهارراهی با اتومبیل توقف کنید یا کنار عابر بانکی منتظر باشید یا در انتظار آماده شدن سفارش‌تان کنار صندوق رستورانی ایستاده باشید تا کسی به شما مراجعه کند و تقاضای کمک نقدی یا حتا غیرنقدی مثل یک پرس غذا از شما بکند. این در کمال خوش‌شانسی اتفاق می‌افتد و گرنه احتمال اینکه مورد دستبرد یا زورگیری قرار بگیرید، کم نیست.

۵- بازنشستگان، کارگران و کسبه خرد با مشکلات کمرشکن ناشی از تورم دست و پنجه نرم می‌کنند. تأمین معاش خانواده یکی از بزرگ‌ترین معضلات جامعه ایران است. عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران از یکطرف و موج بیکاری روزافزون از جانب دیگر عرصه را بر توده مردم تنگ کرده و تشدید کننده ناهنجاری‌هایی است که در پیش ذکر آن رفت.

حال سوال اساسی اینجاست که در چنین پس‌زمینه‌ای، حکومتی که نیازمند حمایت اجتماعی در برخورد با فشارهای خارجی است، آیا اولویتی برای رفع مشکلات داخلی قائل است، یا همچنان بر اجرای سیاست‌های مالی مخرب دهه‌های گذشته پافشاری دارد؟ در زمینه فرهنگی و سبک زندگی نیز آنچه عیان است، عدم عقب‌نشینی حاکمیت از دخالت در سبک پوشش بانوان از تنش و دو قطبی‌سازی بیش‌تر حکایت می‌کند، امری که سبب‌ساز شکاف بیش‌تر اجتماعی است.\*

۱- عبور و مرور درصد متناهی از بانوان از گروه‌های مختلف سنی بدون رعایت معیارهای پوششی دیکته شده از سوی حکومت در خیابان‌ها جلب توجه می‌کند. علی‌رغم تمهیدات اتخاذشده از سوی حاکمیت برای وادار کردن زنان به رعایت «حجاب اجباری» و نوعی بازگشت به ماقبل اتفاقات موسوم به «جنبش مهسا»، ظاهراً جامعه قصد عقب‌گرد از دست‌آوردهای خود را ندارد. این را می‌توان در سیمای جدید خیابان‌های شهرهای بزرگ به وضوح مشاهده کرد.

۲- در میان طرفداران پر و پا قرص روایت انقلابی! از «جنبش مهسا»، به خصوص در بین قشر جوان‌تر می‌توان نوعی سرخوردگی و ناامیدی را مشاهده کرد. سرخوردگی ناشی از عدم توفیق به براندازی حکومت، آن‌طور که رسانه‌ها و سلبریتی‌های دست‌راستی آن را سهل‌الوصول و قریب‌الوقوع تصویر می‌کردند.

در میان بحث‌های درگرفته در گروه‌های جوانان می‌توان این‌طور برداشت کرد که عموماً دلایل عدم توفیق را ساخت و پاخت قدرت‌های جهانی با حکومت ایران، باج‌دادن حکومت به چین و روسیه و نهایتاً عدم مشارکت قشر خاکستری جامعه از ترس سرکوب‌گران می‌دانند و کم‌تر به عواملی همچون نداشتن چشم‌انداز روشن و عدم وجود رهبری متمرکز اشاره می‌کنند. ۳- در میان جمعیت جوان و حتا میانسال در اکثر گروه‌های اجتماعی به مهاجرت به عنوان بهترین گزینه برای بهبود شرایط نگاه می‌شود. به طوری که متأسفانه حتا به خطرات احتمالی

مبارزاتی زحمتکشان بطور نسبی متشکل شوند و فشار از پایین بیاورند، تغییراتی در بالا را ممکن می‌گرداند. در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان و فعالان صنفی و سیاسی کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، جوانان و ... باید با ایجاد تشکلات مستقل و فعالیت صنفی دموکراتیک بکوشند و برای بهبود شرایطی معیشتی مساعی خود را مصروف دارند.

طبیعی است که دست‌اندرکاران حکومتی نیز اگر ادعای توسعه و رشد را دارند، می‌بایست از سرکوب و پایمال کردن حقوق کارگران و زحمتکشان دست بردارند، به سیاست‌های ویرانگر نئولیبرالی، رانت‌خواری و دزدی و فساد پایان دهند. اما از پیش روشن است؛ چنین سیاستی در ماهیت بورژوازی در قدرت نیست. همانطور که اشاره رفت بدون یک جنبش نیرومند و متشکل، امکان تغییراتی به نفع توده مردم امکان پذیر نیست.

اینکه مسئولان و طرفداران جهان چندقطبی در جمهوری اسلامی چه خواهند کرد، وظائف ما کارگران و زحمتکشان را تغییر نخواهد داد. ما، کارگران و مزدبگیران می‌بایست همواره در جهت متشکل شدن خود برای بدست آوردن حقوق حقه خود بکوشیم و متحد به مبارزه‌مان ادامه دهیم.

در مردادماه مبارزات کارگران شاغل و بازنشسته ادامه یافت که در ذیل بخشی از آن را دنبال می‌کنیم.

\*\*\*

#### بازنشستگان

##### ۱ مرداد

جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، کرمانشاه، رشت و اهواز با تجمع و راهپیمایی مقابل اداره تأمین اجتماعی شهرهای مربوطه خود، به شرایط معیشتی خود اعتراض کرد و دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در شهر رشت نیروی انتظامی برای متفرق کردن معترضین از گاز فلفل و ضرب و شتم بازنشستگان استفاده کرد. مطالبات بازنشستگان، ترمیم مستمری و دریافت حقوق بالاتر از خط فقر، برخورداری از خدمات درمانی رایگان، ارتقای خدمات رفاهی و اعاده‌ی استقلال سازمان تأمین اجتماعی است. «اسماعیل گرامی» با انتشار اطلاعیه‌ای، ضمن حمایت از بازنشستگان ضرب شتم ایشان، در گیلان را محکوم ساخت.

##### ۲ مرداد

جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی استان‌های فارس، تهران، گیلان، ایلام، خوزستان، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، مازندران، کرمانشاه، کردستان، زنجان، آذربایجان غربی، هرمزگان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مقابل شرکت مخابرات مراکز استان‌های مربوطه خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.



## در جبهه نبرد طبقاتی

### اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در مرداد ماه ۱۴۰۲

هفتاد سال از کودتای ۲۸ مرداد گذشت؛ کودتایی که با هدایت امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس توسط وطن‌فروشان نظامی، کراواتی و اوباش خودفروش چاله‌میدانی، دولت ملی «مصدق» را سرنگون ساخت و علاوه بر ضربه به مبارزات ملی، مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و تشکلات صنفی و سیاسی کارگران را نیز با ضربات سنگینی به ضعف کشاند، به شکلی که هنوز آثارش باقی است.

سال پیش نیز امپریالیست‌ها، مرتجعان منطقه و مزدوران داخلی آن‌ها با به انحراف بردن مبارزات زنان و مردان سعی در بر آورده ساختن آرزوی بازگشت «بهشت از دست رفته» خود کردند که با شکست روبرو شد. ولی مبارزات کارگران و زحمتکشان، که جان گرفته بود، به حاشیه رفت. با تلاش منحرفان چپ‌رو و وابستگان به دشمنان ایران و همچنین سرکوب حکومت سرمایه‌داری اسلامی، باز هم مبارزات زحمتکشان دچار ضعف گشت.

بعد از یکسال از حوادث ناگوار سال ۱۴۰۱ تحت عنوان «انقلاب زن، زندگی، آزادی!» مبارزات کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته دوباره جانی گرفته است و علی‌رغم به غل و زنجیر کشیده شدن پیشقراولان مبارزات کارگران و معلمان و تلاش جمهوری سرمایه‌داری اسلامی برای از بین بردن تشکلات مستقل و مبارزات حق‌طلبانه، بار دیگر شاهد رشد اعتصابات و تجمعات کارگران شاغل و بازنشسته هستیم.

با قوت گرفتن حرکت پیشرونده به سوی جهان چند قطبی و پیوستن ایران به جمع کشورهای سازمان همکاری شانگهای، بریکس و اتحاد ایران با کشورهای منطقه، امکان گشایش اقتصادی و بهبود شرایط نسبی مردم، در صورتی که جنبش

درصدی حقوق بازنشستگی به صورت کامل از سال ۱۳۹۸، اجرای طرح همسان سازی حقوق و مزایا با افراد شاغل، افزایش کیفیت و کمیت خدمات بهداشت و درمان و بازنگاری در تعرفه های درمانی شدند.

#### ۲۹ مرداد

جمعی از بازنشستگان کارگری در شهرهای تهران، اصفهان، بابل، قزوین، رشت، شوش، شوشتر، اهواز، کرمانشاه و ... مقابل ادارات تأمین اجتماعی در شهرهای خود شدند. جمعی از فعالان بازنشسته تأمین اجتماعی شهرستان شوش در خصوص مشکلات بازنشستگان با رئیس اداره تأمین اجتماعی دیدار و گفتگو کردند و خواستار انعکاس و پیگیری جدی خواسته و مطالبات خود شدند.

گروهی از بازنشستگان صندوق فولاد اصفهان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#### ۳۰ مرداد

تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات استان های تهران، زنجان، اردبیل، آذربایجان غربی، ایلام، کردستان، چهارمحال و بختیاری، گیلان، خراسان رضوی، کرمانشاه، مرکزی، هرمزگان، خوزستان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مطابق تجمعات هر هفته ی دوشنبه های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات مراکز استان مربوطه صورت گرفت.

#### ۳۱ مرداد

گروهی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در تجمع سراسری در شهرهای تهران، کرج، خرم آباد، یزد، سمنان، اردبیل، پلدختر، شهرکرد، ایلام، کرمانشاه، قزوین، شیراز، اهواز، سنندج و ... مجدداً و مطابق با سه شنبه های اعتراضی و در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگان کشوری شهرهای خود و در شهر یزد مقابل استانداری دست به تجمع زدند. «معلم زندانی آزاد باید گردد!».

#### نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهها

#### ۸ مرداد

جمعی از کارکنان رسمی شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در اعتراض به زمان بردن اجرای ماده ۱۰ برای گروه های مختلف شاغل در صنعت نفت، عدم بهره مندی جمعی از پرسنل بخصوص نیروهای استخدامی ۹۳ و پرسنل دیپلم و فوق دیپلم، اعتراض به سطح مالیات ها و سقف حقوق مقابل ساختمان مرکزی نفت گچساران تجمع کردند.

گروهی از بازنشستگان شهرهای اهواز، رشت، شوشتر، اصفهان، دزفول، شوش، کرمانشاه و ... نسبت به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته هایشان و در اعتراض به سرکوب تجمع بازنشستگان گیلان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. در شهر اهواز بازنشستگان خواهان لغو احکام و کیل با شرافت «فرزانه زیلابی» شدند. «از خوزستان تا گیلان ننگ بر این مدیران!»، «کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد!»

#### ۹ مرداد

جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی استان های تهران، خراسان رضوی، گیلان، فارس، اصفهان، لرستان، هرمزگان، آذربایجان شرقی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و کرمانشاه، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#### ۱۰ مرداد

گروهی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری استان های اردبیل، چهارمحال و بختیاری، کردستان، فارس، کرمانشاه، یزد و ... در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری در استان های مربوطه خود دست به تجمع زدند.

#### ۱۵ مرداد

بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای تهران، اهواز، اصفهان، شوش، کرمانشاه، رشت، شوشتر، دزفول و ... در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته هایشان و همچنین با خواست شفاف سازی ۲۵ درصد متناسب سازی و پرداخت معوقه آن از سال ۹۹ تاکنون، مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرهای مربوطه خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#### ۱۶ مرداد

جمعی از بازنشستگان مخابرات استان های تهران، کردستان، مرکزی، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، گیلان، اصفهان، خوزستان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان غربی، خراسان رضوی، زنجان، فارس، هرمزگان و ... مطابق تجمعات دوشنبه های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات مراکز استان مربوطه خود دست به تجمع زدند.

#### ۲۴ مرداد

گروهی از بازنشستگان فرهنگی و کشوری در استان های تهران، البرز، قم، مازندران، گیلان، همدان، کرمانشاه، ایلام، کردستان، آذربایجان شرقی، اردبیل، یزد، قزوین، فارس، چهارمحال و بختیاری، لرستان و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

شماری از بازنشستگان سازمان صدا و سیما با برپائی تجمع اعتراضی مقابل مسجد بلال در محوطه این سازمان خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. و خواستار افزایش ۵۰

## ۱۲ مرداد

گواهینامه تخصصی ۱۴۰۲، در اعتراض به این آزمون مقابل وزارت بهداشت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## ۱۷ مرداد

گروهی از پرستاران و پرسنل درمانگاه گلستان در شهر اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن عادلانه تعرفه و پایمال شدن حقوق خود در برابر ساختمان مجتمع اداری مربوطه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## شهرداری

## ۲۱ مرداد

کارگران فضای سبز شهرداری زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران طی ماه‌های گذشته برای پیگیری مطالبات صنفی خود به چند نهاد دولتی و غیردولتی مراجعه کرده بودند که هیچ نتیجه‌ای نگرفتند.

## ۲۳ مرداد

جمعی از راهبران، کارکنان و پرسنل مترو تهران در اعتراض به بندهای ضد کارگری لایحه برنامه هفتم توسعه و نیز عدم رسیدگی به دیگر مشکلاتشان برای دومین بار در محل مترو بهارستان دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است که این تجمع قرار بود در مقابل مجلس صورت گیرد که با ممانعت نیروهای امنیتی روبرو شد. اعتراض کارگران مترو خصوصاً به ماده ۲۹ فصل پنجم از لایحه برنامه هفتم توسعه است که سن بازنشستگی را در مشاغل سخت و زیان‌آور افزایش می‌دهد.

## ۳۰ مرداد

راننده‌های قراردادی شیفت صبح سامانه یک، به دلیل کم کردن مبلغ بین ۳ تا ۵ میلیون تومان از حقوقشان به بهانه‌های غیرقابل قبول، دست به اعتصاب و تحصن زدند. این اعتصاب ساعتی بعد و پس از وعده رسیدگی از سوی معاون بهره‌برداری سامانه یک پایان یافت.

## کارگران دیگر

## ۱ مرداد

کارگران شرکت فولاد پارس هفت تپه به دلیل عدم طبقه‌بندی مشاغل، سختی کار، تبعیض حقوقی، دستمزدهای کم و حجم کاری بالا، در پنجمین روز از اعتصاب خود در محوطه شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## ۳ مرداد

کارگران شرکت‌های پیمانکاری شاغل در معدن سنگ آهن چادرملو یزد سومین روز متوالی اعتصاب خود را با تجمع

کارگران پالایشگاه آبادان برای دومین روز متوالی در اعتراض به بی‌ثبات کاری و عدم امنیت شغلی دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. این اعتصاب در شرایطی رخ داده که پالایشگاه به دلیل ورود به فصل گرما در وضعیت اورهال به سر می‌برد. لازم به ذکر است کارگران پروژه‌ای و کارگران موسوم به اورهال (تعمیرات اساسی دوره‌ای) وضعیت بدتری را به دلیل مقطعی بودن کار تجربه می‌کنند. دستمزدهای ناچیز و پرداخت نامنظم، بلا تکلیفی، بی‌ثبات کاری، عدم امنیتی شغلی و اخراج عده‌ای از کارگران از اصلی‌ترین دلایل اعتصاب کارگران است.

## ۲۱ مرداد

برخی مدیران پتروشیمی چوار ایلام به دلیل خودکشی کارگر اخراجی «حیدر محسنی»، کماکان ممنوع‌الورود می‌باشند. هفتم مرداد ماه، کارگران در محوطه‌ی مجتمع دست به تجمع زدند و خواستار برکناری و مجازات آن‌هائی شدند که باعث اخراج این کارگر شده بودند. در همان زمان، شورای تأمین شهرستان چوار از ممنوع‌الورودی عاملان اخراج این کارگر خبر داد. کارگران همچنین از انتظار برای عمل به وعده‌های مدیران خبر دادند و گفتند: دو ماه پیش وعده دادند ظرف مدت یکماه، طرح طبقه‌بندی اجرائی خواهد شد، اکنون دو ماه گذشته و هنوز خبری از اجرای طرح نیست.

## ۲۲ مرداد

بیش از ۴۰۰ کارگر واحد تعمیرات پالایشگاه آبادان به عدم امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، و شرایط کار طاقت‌فرسا معترض‌اند و خواستار تبدیل وضعیت و امنیت شغلی شدند. مسئولان پالایشگاه به این کارگران وعده تبدیل وضعیت داده بودند اما با گذشت سه سال کار سخت و پرمخاطره همچنان بلا تکلیف هستند.

## ۳۱ مرداد

کارگران شرکت آی جی سی در جفیر شهر حویزه در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق خود و شرایط سخت معیشتی دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

## کادر بهداشت و درمان

## ۸ مرداد

جمعی از پرستاران و کادر بهداشت و درمان شاغل در بیمارستان (امام خمینی) تهران، نسبت به پرداخت نشدن فوق‌العاده خاص و متناسب نبودن هزینه تعرفه پرستاری و اضافه کاری در قیاس با تورم جاری در کشور تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## ۱۴ مرداد

گروهی از دستیاران پزشکی شرکت‌کننده در آزمون ارتقا و

تکمیلی و در نهایت برابری در شرایط و مزایای شغلی شدند. تعدادی از کارگران شرکت سرب و روی زنجان برای وصول مطالبات صنفی خود دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار اجرای ماده ۵۲ قانون کار و بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل شدند. در ماده ۵۲ قانون کار در خصوص کارهای سخت و زیان‌آور و زیرزمینی، مقرر شده که «ساعات کار نباید از شش ساعت در روز و ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید. بنابر این قانون کار ایران ۸ ساعت کار در روز و ۴۴ ساعت کار در هفته را مقرر کرده که این مقدار برای مشاغل سخت و زیان‌آور با کاهش دوساعته‌ی کار در روز همراه است.

#### ۲۳ مرداد

کارگران پیمانکاری ابنیه فنی رضوان درود در استان کرمان در اعتراض به تداوم مشکلات خود و دستمزدهای پایین دست از کار کشیده و اعتصاب کردند و خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای افزایش حقوق و پرداخت مطالبات عرفی و مناسبتی.

#### ۲۴ مرداد

برای سومین روز متوالی کارگران شرکت کارتن ایران نسبت به تأخیر در پرداخت حقوق و مخالفت با سختی کار در داخل کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار عمل به عرف و قانون از سوی مدیریت جدید شدند. به گفته یکی از نمایندگان کارگران: کارفرمای جدید سختی کار کارگران را به رسمیت نمی‌شناسد این در حالی است که شرکت کارتن ایران بیش از شصت سال قدمت دارد و از ابتدا کارگران این کارخانه مشمول قانون سخت و زیان‌آور بودند. کارفرما ساعات قانونی کار کارگران را تغییر داده و در پرداخت به موقع حقوق کارگران تعلل می‌کند.

#### ۲۹ مرداد

کارگران مجتمع نفلین سینیت کلیبر در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتراض زدند. پس از درگیری‌های لفظی زیاد حول اختلافات با کارفرما و متشنج شدن اوضاع، تعدادی از کارگران در اثر فشار روحی دچار بدحالی شده و راهی بیمارستان شدند. پس از این اتفاق مسئولین دولتی شهرستان وارد عمل شده و با ۸ نفر از نمایندگان کارگران و مدیران شرکت نفلین سینیت در محل فرماندهی انتظامی کلیبر وارد مذاکره شدند.

\*\*\*

مبارزات زحمتکشان علیرغم افت و خیز خود، تا رسیدن به پیروزی و دست یافتن به حقوق حقه خود ادامه خواهد داشت. نیاز مبرم کارگران و زحمتکشان داشتن «تشکل، آگاهی و اتحاد» است.

وحدت و تشکیلات رمز موفقیت رنجبران است. \*

اعتراضی پشت سر گذاشتند و فعالیت‌های معدن از سنگ‌شکن تا بارگیری تماماً تعطیل شد. جلسه‌ای با حضور نمایندگان کارگران و مسئولین صنف کارگران با مسئولین مجتمع و آسفالت‌طوس برای بهبود وضعیت دستمزد و تسهیلات رفاهی کارگران برگزار و توافقاتی حاصل شد. پس از این جلسه ۵ ساعته بنابر توافق ایجاد شده، کارگران به اعتصاب پایان داده و به سر کار بازگشتند. تمامی مجموعه‌های تولیدی معدن در طول اعتصاب تعطیل بود و کارگران در تجمع متعهد شده بودند تا رسیدن کامل به خواسته‌هایشان کوتاه نیایند. جمعیت حاضر در تجمع بالغ بر ۱۲۰۰ نفر بود.

#### ۷ مرداد

شماری از کارگران کارخانه خزر پلاستیک رشت روز سوم مرداد در اعتراض به اخراج و ممانعت از ورود دو نفر از همکاران‌شان به محل کار، مقابل ساختمان اداره کار استان، تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار بازگشت به کار این دو همکار خود شدند. مدیران کارخانه، دوم مرداد اقدام به اخراج دو نفر از کارگران با سابقه شیفت شب کردند که اعتراض دیگر کارگران را برانگیخت. این دو کارگر که یکی از آنها از شهریور ماه سال گذشته نماینده منتخب کارگران کارخانه خزر پلاستیک است، پیگیر مطالبات صنفی کارگران بوده‌اند. کارگران سالهاست پیگیر وضعیت اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و سخت و زیان‌آوری شغل خود هستند. از آنجائی که اعتراضات کارگران به نتیجه نرسید، کارگران شرکت خزر پلاستیک در اعتراض به محقق‌نشدن وعده بازگشت به کار دو کارگر اخراجی در روز هفتم، مقابل کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#### ۱۵ مرداد

کارگران کارخانه نساجی بروجرد، در اعتراض به اخراج ۲۵ نفر از همکارانشان توسط کارفرما، «به دلیل اعتراض کارگران به تعویق حقوقها و عدم امنیت شغلی»، دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان بازگشت به کار همکاران خود شدند. کارگران اخراجی کارخانه نساجی بروجرد دارای سوابق کاری ۱۸ تا ۲۵ سال هستند و اجازه ورود به محل کار خود را ندارند.

#### ۲۲ مرداد

کارگزاران مخابرات روستایی در استان‌های خوزستان، لرستان و خراسان رضوی، آذربایجان غربی و ... مقابل استانداری استان‌های مربوطه خود، تجمع اعتراضی برگزار کردند و رفع تبعیض در نظام پرداخت حقوق بین کارکنان شهری و روستایی؛ اصلاح تاریخ شمولیت پایه سنوات و طرح طبقه‌بندی کارگزاران از زمان خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران طبق رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، نظم بخشی به مسئله پرداخت حقوق در آخر هر ماه، رفع مشکلات بیمه



## ایران بخاطر ظرفیت ژئوپلیتیکی خود به عضویت بریکس درآمد

قیمت نفت به پایین‌ترین سطح خود گردید، به ضد خود تبدیل کنند و ضربات جدی به هژمونی اقتصادی - ایدئولوژیک آن، بویژه آمریکا، وارد سازند.

حالا با این تفصیل باید شاهد خاکریزهای اصلاحات در داخل کشور هم باشیم و اپوزیسیون وابسته در خارج از کشور، که از امروز سیاه‌پوش غرب خواهد شد، ناله و شیون و واویلا راه خواهند انداخت که وطن از دست رفت و هر روز و هر شب روضه خوانی براه می‌اندازند و محتملاً از شهریور ماه در غم از دست رفتن انقلاب ناکام‌شان دوباره در بازار مکاره بساط آشوب فروشی در ایران می‌افکنند؛ و رژیم ایران در این میان بی‌درایت‌تر از سال گذشته تحت فشار دعوای داخل احتمالاً نخواهد توانست سره از ناسره را تشخیص دهد و قادر نخواهد بود افسار بدنه نظام را بکشد تا مبادا افراطیون نظام وارد این تحریکات شوند و با ندانم کارهای خود، مانند مسأله حجاب و معیشت مردم خوراک تبلیغاتی برای رسانه‌های اپوزیسیون قلابی فراهم آورند. همه اینها برای این است که طرح گردش به شرق عملی نگردد و در این بادی اپوزیسیون قلابی تنها نخواهد ماند و چرخ پنجم در ایران به کمک او خواهد شتافت. بی‌دلیل نیست که بخش‌های شناخته شده این اپوزیسیون خودخوانده فاقد شناسنامه سیاسی هستند و عمدتاً منشأ داخلی دارند و از درون جبهه اصلاحات سربرون زده‌اند. کفایت تا به چهره‌های بی‌سواد کارشناسان «اینترنشنال»، «من و تو» و «بی‌بی‌سی» و نوپایان رضا پهلوی نگاهی انداخت تا متوجه شوید که از چه سخن می‌گوئیم! \*

اجلاس کشورهای «بریکس»، که امسال در آفریقای جنوبی برگزار شد، به هیچ‌وجه به مذاق اصلاح طلبان غرب‌گرا و همچنین اپوزیسیون قلابی و وطن فروش، این متکدیان سازمان‌های جاسوسی و پارلمان اتحادیه اروپا خوش نیامد؛ چرا که در اجلاس بریکس با عضویت ایران به انضمام پنج کشور دیگر موافقت شد و ایران از اول ژانویه سال آینده میلادی به عضویت این سازمان درخواهد آمد. اجلاس «بریکس» می‌تواند برای ایران دستاوردهای صنعتی و دفاعی هم داشته باشد. بی‌شک ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران گروه «بریکس» را به پذیرش ایران واداشت. پیوستن ایران، آرژانتین، عربستان، مصر، امارات و اتیوپی به عضویت «پیمان بریکس» یک گام بزرگ به سوی جهان چند قطبی است که هر روز ثبات بیش‌تری می‌یابد. با عضویت این کشورها به جامعه «بریکس» هشتاد درصد تولید نفت جهان در اختیار کشورهای عضو «بریکس» قرار می‌گیرد. جامعه کشورهای عضو «بریکس» در صورت تمایل می‌تواند با هماهنگی با سیاست‌های تائکونوی روسیه و عربستان سیاست کارآمد Öl-Paradoxan غرب در دهه‌های اخیر را، که همزمان با جهش مصرف نفت در سطح جهان باعث تنزل دائمی



## باز هم خودکشی یک کارگر در پتروشیمی

غیرانسانی را به آنها و سایر کارگران تحمیل کرده است. کارگری که ماه‌ها حقوق دریافت نمی‌کند و کمرش در زیر بار زندگی خم شده است و یا اخراج می‌شود، در قامت هیچ نوشته‌ای توصیف کردنی نیست. اما در هر حال راه چاره این درد خودکشی نیست.

امروز مبارزه علیه اخراج کارگران، مبارزه برای دریافت حقوق معوقه، اضافه دستمزد، بیمه بیکاری، بهبود محیط کار، مخالفت با خصوصی‌سازی‌ها، امنیت شغلی و حق قانونی تشکیل سندیکای مستقل و در یک کلام مبارزه علیه سیاست‌های نئولیبرالی از جمله مطالبات روز و عاجلی هستند که کارگران می‌توانند متحداً حول آنها متشکل شوند و بخشی از حقوق‌شان را از حلقوم سرمایه‌داران بی‌وجدان، که جان همه زحمتکشان را به لب رسانده‌اند، بیرون کشند.

کارگران برای رهایی از این جهنمی که نظام سرمایه‌داری آفریده است، راهی جز مقاومت و مبارزه متحد و متشکل ندارند. همه کارگران ایران دارای سرنوشت یکسانی هستند و در زیر فشار سرکوب و بی‌عدالتی حاکم به‌سر می‌برند. مقاومت، مبارزه و اعتراض حق طبیعی همه کارگران است. لیکن این مبارزه و مقاومت، اگرچه لازم و ضروری است، اما کافی نیست. کارگران به تشکیلات واحد صنفی مستقل نیاز دارند و باید بکوشند، علی‌رغم همه موانع موجود، متشکل شوند. آنجا که کارگران متحد و متشکل در مقابل کارفرما ایستادند، موفقیت‌هایی کسب کردند و آنجا که پراکنده و بدون تشکیلات بودند، اعتراضات‌شان به‌جایی نرسیده است.

**چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!\***

به دلیل خودکشی کارگر اخراجی «پتروشیمی چوار ایلام»، برخی مدیران «پتروشیمی چوار» کماکان ممنوع‌الورود هستند. در روزهای ابتدائی مرداد، «حیدر محسنی» متأهل و پدر دو فرزند، از کارگران «پتروشیمی چوار ایلام» بعد از اخراج خودکشی کرد؛ هفتم مردادماه، کارگران در محوطه مجتمع دست به تجمع زدند و خواستار برکناری و مجازات آنهائی شدند که باعث اخراج این کارگر شده بودند.

در همان زمان، شورای تأمین شهرستان چوار از ممنوع‌الورودی عاملان اخراج این کارگر خبر داد و حالا بعد از گذشت چندین روز، کارگران این پتروشیمی می‌گویند همچنان چهار نفر از مدیران پتروشیمی به دلیل اخراج «حیدر محسنی» ممنوع‌الورود هستند.

کارگران همچنین از انتظار برای عمل به وعده‌های مدیران خبر دادند و گفتند: «دو ماه پیش وعده دادند طرف مدت یکماه، طرح طبقه‌بندی اجرائی خواهد شد؛ اکنون دو ماه گذشته و هنوز خبری از اجرای طرح نیست».

به گفته کارگران، سال‌هاست که نیروهای «پتروشیمی چوار» از مزایای طرح طبقه‌بندی و دستمزد عادلانه و قانونی محرومند و مطالبه‌گری‌ها راه به جایی نبرده است.

روشن است خودکشی این کارگر و سایر کارگران نتیجه فقر و فلاکت و زورگویی‌های سرمایه‌داری است که چنین شرایط



## نقدی بر «منشور مطالبات

## حداقلی تشکل‌های مستقل

## صنفی و مدنی ایران» (بخش ششم پایان)

### درک معیوب از مبارزه دموکراتیک

طرح مطالبات دموکراتیک همواره در برابر حاکمیت معنی دارد. نفس مبارزه دموکراتیک به این مفهوم است که در جامعه توازنی در عرصه عدالت و حقوق اجتماعی وجود ندارد و معمولاً اکثریت جامعه در مقابل اقلیت حاکم برای کسب هرچه بیشتر حقوق پایمال شده خویش قرار می‌گیرد و با این اقلیت حاکم مبارزه می‌کند. این مبارزه تنها از طریق سازمان‌های مدنی و به ویژه کارگری و حرفه‌ای امکان‌پذیر است. بدون تشکیلات و رهبری با تجربه، سنجیده، و دوراندیش محصول این مبارزه ناچیز خواهد بود. خواست‌های دموکراتیک همواره حاکمیت مرتجع را اساساً مورد خطاب قرار می‌دهد و این به مفهوم آن است که مطالبه‌کننده قدرت و حاکمیت طبقه اقلیت حاکمه را به رسمیت می‌شناسد و در کادر این شناسائی حقوق و امتیازات بیش‌تری برای خود تقاضا می‌کند. طبقه حاکمه همواره از تحقق این حقوق سر باز می‌زند، مگر آنکه قدرت نیروی مطالبه‌گر به حدی باشد که رژیم حاکم را به عقب‌نشینی وادارد. کسب حقوق مطالبات دموکراتیک و مدنی آسان نیست؛ به ایمان، اعتقاد، پافشاری، سماجت، رهبری سنجیده و ابزار قدرت لازم نیاز دارد، ولی غیر ممکن نیست. کسانی که با پرچم انقلابی‌گری کاذب به میدان می‌آیند و از سختی راه و ناچیزی دست‌آورد‌های مبارزاتی خواهان بلند کردن سنگ بزرگ شده‌اند و با نفی مبارزه دموکراتیک مسئله سرنگونی رژیم را به میان می‌کشند، نه درکی از مبارزه دموکراتیک دارند و نه به سرنگونی رژیم کمک

می‌کنند. آنها تنها به مبارزه دموکراتیک صدمه می‌زنند که به زعم آنها هیچ‌وقت قابل حصول نیست و طرح و مبارزه در جهت تحقق آن نیز بیراهه محسوب می‌شود. افکار این عده مستبدانه است و نه دموکراتیک، زیرا برای سطح رشد مردم و نقش شرکت آنها در مبارزه پیشیزی ارزش قایل نیستند و می‌خواهند به شیوه چریکی معضلات اجتماعی را حل کنند. برای آنها انقلاب را نه توده‌ها، بلکه قهرمانان و از جان‌گذشتگان متحقق می‌کنند. برای این منحرفان در مبارزه تنها یک شعار قطعی و نهائی وجود دارد و آنهم کسب قدرت سیاسی و سرنگونی رژیم است. برای آنها تمام اشکال دیگر مبارزه کهنه‌پرستی، رفرمیستی و سازش‌کارانه است. اینکه مبارزه کار توده‌های مردم است که باید با عبور از مراحل گوناگون، از پائین به بالا ارتقاء یابند در روند مبارزه کسب تجربه کنند، تربیت شوند، تشکل یابند و در روند مبارزه آبدیده شوند، مطرح نیست. آنها فقط خواهان نتایج زودرس هستند و اینکه مبارزه دموکراتیک حتی اگر به طور زودرس نتیجه ملموس عملی هم نداشته باشد، به پرورش نسلی می‌انجامد که خود را آماده نبرد نهائی می‌کند، برایشان اهمیت ندارد و یا اساساً مفهوم و مضمون این مبارزه طولانی را درک نمی‌کنند. کمونیست‌ها حکومت‌ها را بر اساس میل و اراده خود و فارغ از زمان و مکان سرنگون نمی‌کنند، بلکه برای نیل به این منظور و به ویژه تا زمانی که توده‌های مردم در پشت آنها نیستند، در دوران تسلط حاکمیت سرکوب‌گر وظیفه آنها مبارزه با سرکوب‌گری، ستم و هرگونه تعدی حاکمیت نسبت به اقشار گوناگون مردم است تا آنها را با تجربه خودشان به ماهیت طبقاتی حاکمیت آگاه کرده و به درجه‌ای از فداکاری تربیت کنند تا آماده مبارزه برای کسب قدرت سیاسی گردند. در این دوران، سلاح مبارزه کمونیست‌ها همان مبارزه دموکراتیک است که سویه طبقاتی و سوسیالیستی دارد. به این جهت نیز کمونیست‌ها خود را در بدو امر سوسیال دموکرات می‌نامیدند. مبارزه در زمینه دموکراتیک سرچشمه تغذیه کمونیست‌هاست. هر تفکری، که مبارزه دموکراتیک را به هر بهانه‌ای نفی کند و مدعی شود که مثلاً در ایران به علت وجود یک حکومت مستبد و سرکوب‌گر هرگز امکان مبارزه دموکراتیک وجود ندارد و باید فوراً مسلح شد، تا رژیم را سرنگون کرد، تفکری ماهیتاً مستبد و ارتجاعی است و تنها خود را در البسه «انقلابی» مخفی کرده است. حتی در وضعیت ایران کمونیست‌ها باید برای کسب حقوق مطالباتی و مدنی مردم مبارزه کنند و از ابزارهای مناسب در این روند بهره‌جویند؛ یکی از آنها وجود اتحادیه‌های مستقل صنفی کارگری است که در پی کسب قدرت سیاسی از طریق حکومت شورائی نیستند و مبارزه کارگران را به گمراهی نمی‌برند. مسلماً طبقه کارگر ایران به رهبری حزب مستقل سیاسی خودش، که شرط هر پیروزی و مصونیت از گمراهی است، خواهد توانست استثمار را در ایران از بین ببرد. طبقه کارگر ایران باید هشیار باشد که عده‌ای از منحرفان آنها را به بهانه مبارزه «انقلابی» علیه استثمار به همدست استعمار بدل نکنند. مبارزه دموکراتیک، ملی و طبقاتی طبقه کارگر در ایران دست در دست هم پیش خواهد رفت. \*



شهرهای شمالی کشور معلم شد. همه می‌دانند که چنین افرادی با چه عشقی و ایمانی معلمی را انتخاب می‌کنند، آنها نه تنها وظایف یک معلم معمولی را انجام داده، بلکه به همراه آن درس انسان بودن، درس شهامت داشتن، و درس مبارز بودن را می‌آموزانند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مبارزاتی این رفیق به همراه «رفیق جان برار» و رفقای دیگر محمود آباد، برپائی شورای دهقانی در روستای «سرخه رود» از توابع محمود آباد بود.

به همت این رفقا شورای ده بوجود آمد که کنترل و اداره ده را بدست گرفت، زمیندار بزرگ ده متواری شد، ویلا، انبار ذخیره، لوازم کشاورزی و زمین‌های او به نفع مردم در اختیار شورا قرار گرفت. رفقای ما در آنجا به کمک دوستان و هوادارن پزشک خود یک درمانگاه برای مردم زحمتکش و یک داروخانه کوچک بوجود آوردند که برایگان خدمات پزشکی در اختیار روستائیان قرار می‌داد. آنها این روستا را به صورت کانون گسترش و انتقال قدرت به شورای دهقانان در آورده و به نقاط دیگر نیز سرایت داده بودند.

پس از انقلاب «رفیق ذولفقار» به مسئولیت کمیته حزب انتخاب گردید و به کمک «رفیق قدرت» توانست شبکه‌های حزبی را به سرعت در آن منطقه گسترش دهد. همین فعالیت‌های شبانه‌روزی به زودی او را به عنوان یک مدافع سرسخت زحمتکشان معروف و مشخص نمود. این امر باعث شد که پس از ۳۰ خرداد و تسلط فاشیسم، او دیگر نتواند در محل خود باقی بماند و به مازندران انتقال یافت و در غیاب رفیق مسئول مازندران که به دلایل مشابه به نقاط دیگر انتقال یافته بود، مسئول مازندران گردید. او بیش از یکسال در این سمت بود و در آن شرایط سخت، تشکیلات حزب را در مازندران، که یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شاخه تشکیلاتی حزب بود، هدایت نمود. «رفیق ذولفقار» در تابستان ۶۱ به مشاورت مرکزی حزب انتخاب شد و در اواخر شهریور توسط پاسداران خمینی در بابل دستگیر شد. او را به شدت شکنجه کردند تا از طریق او سرنخی را بدست آورده و تشکیلات را متلاشی نمایند. اما کاملاً طبیعی بود که رفیقی چون او در مقابل این شکنجه‌ها چون کوه بایستد و لب نکشاید.

شدت کینه و شکنجه‌های حیوانی به حدی بود که علی‌رغم بدن ورزیده‌ای که داشت، بیش از دو روز دوام نیاورد و با سربلندی و افتخار زندگی را بدرود گفت. جلاخان از ترس مردم از افشای این جنایت خودداری کردند. خانواده رفیق به همه زندان‌های ایران مراجعه کردند، ولی همه جا جواب سربالا شنیدند. هیچکس از او سراغی نداشت. تا اینکه پس از ۳ سال یک زندانی سیاسی که همبندی وی بود، پس از آزاد شد، خبر آورد که خود شاهد آخرین دقایق زندگی رفیق بود و بدین ترتیب این جنایت هولناک برملا گردید. پس از آن خانواده رفیق به زندان مراجعه می‌کنند و معلوم می‌شود که او را سه سال پیش مخفیانه در جایی به خاک سپرده‌اند.

یاد او گرامی و راهش پر رهرو باد!

<https://youtu.be/YNX1NtuTXyQ>

برگرفته از کتاب «مرغان پر کشیده توفان»، چاپ اول سال ۱۳۶۴



## یادی از رفیق «ذولفقار عمرانی تبار»

رفیق «ذولفقار عمرانی تبار» از کمونیست‌های با سابقه بود که قبل از احیای حزب به سازمان مارکسیستی - لنینستی توفان پیوسته بود. او در محمودآباد مازندران به دنیا آمد. دوران کودکی خود را با فقر و رنج گذراند. از همان آغاز زندگی مجبور شد که روی پای خود بایستد و همراه با کار سخت در تلاش معاش به تحصیل نیز بپردازد. او به دلیل هوش و استعداد سرشار خویش و به همت پشتکار و جدیت خود، علی‌رغم آن شرایط بد اقتصادی موفق شد که به دانشگاه راه یافته و مهندسی برق را پایان رساند. در دوران دانشگاه به همراه رفقای قهرمان خویش رفیق «قدرت فاضلی» و رفیق «جان برار روحی» تظاهرات متعددی بر علیه رژیم شاه رهبری نمودند.

«رفیق ذولفقار»، که در کوره زندگی پُر مشقت خویش درس مبارزه آموخته و آبدیده شده بود، به جستجوی پذیرش اندیشه دوران‌سازی بود تا بتواند تمامی آمال و آرزوی مردم دردمندی را که خود به آنها تعلق داشت، پاسخ دهد. طولی نکشید که عاقبت محبوب خود را یافت و از طریق «رفیق قدرت» با سازمان توفان آشنا گردید و با آن وصلت نمود - وصلتی که تا پایان عمر پر مهر خویش بر تعهدات آن وفادار ماند.

تمامی زندگی «رفیق ذولفقار»، زندگی سازمانی بود. او یک کادر حرفه‌ای حزب بود، از آن کادرهای ارزشمندی که حزب بدون آنها قادر به حیات نمی‌تواند باشد. او کادری بود که در رابطه با «رفیق قدرت» رشد یافت، پرورش نمود و به یک کمونیست ارزنده تبدیل گردید. او از یاران نزدیک و قدیمی «رفیق قدرت» بود و صادقانه تا آخرین قطره خون خود به راه دوست، هم‌رزم و آموزگار خود وفادار ماند.

«رفیق ذولفقار» پس از پایان تحصیلات از آنجا که نمی‌خواست تا به عنوان مهندس برای تأمین سود بیش‌تر بورژوازی فرمانده سیستم استثمار باشد، علی‌رغم حقوق و درآمد چنین مشاغلی برای پرورش نسلی انقلابی به معلمی روی آورد و در روستاها و

کالائی ۲۱ (ارز از محل تالار اول) به گروه کالایی ۲۲ (ارز از محل تالار دوم) تغییر داده است. تالار دوم ارزی، محل عرضه و تقاضای مستقیم واردکنندگان و صادرکنندگان است که نرخ ارز در آن برحسب عرضه و تقاضای بازار تعیین می‌شود و نرخ ثابت ندارد.

و اما ساعتی بعد، پیمان پاک، قائم مقام وزیر جهاد کشاورزی در یک توییت اعلام کرد که اخبار منتشره در خصوص حذف ارز ترجیحی گوشت قرمز درست نیست و تکذیب می‌شود چراکه تغییر ارز مربوط به گوشت منجمد است که کاربری صنعتی و رستورانی داشته و نقش مستقیمی در تنظیم بازار ندارد. به گفته او ارز تخصیصی به گوشت گرم گوسفندی و گوساله وارداتی تا تنظیم بازار این کالا همچنان در گروه کالایی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی است.

به گفته‌ی پیمان پاک، دولت منابع بسیار خوبی از ارز ۲۸۵۰۰ تومانی را برای واردات گسترده گوشت، جهت تنظیم بازار اختصاص داده است و به طور هفتگی برنامه واردات گوشت گرم گوسفندی و گوشت گرم گوساله برای تنظیم بازار در حال انجام است.

در همان روز، تصویر نامه‌ی دیگری از مدیرکل دفتر صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت منتشر شد که براساس آن، واردات جای نیز به گروه کالایی ۲۲ (ارز از محل تالار دوم) منتقل شده است. در نتیجه دیگر ارز نیمایی به واردات جای اختصاص نمی‌یابد و قیمت ارز واردات آن را مکانیسم‌های عرضه و تقاضای بازار آزاد تعیین خواهد کرد.

### همه‌ی نگرانی‌ها

در هر حال، اگر حذف ارز نیمایی گوشت قرمز را حتی برای گوشت صنعتی و رستورانی در نظر بگیریم و قایل به این باشیم که آنچه در نامه‌ی نرگس باقری زمردی تحت عنوان «واردات انواع گوشت» آمده، در واقع «انواع گوشت» نبوده و ارجاع خاص داشته، باز هم این سوال و البته این نگرانی وجود دارد که آیا احتمال گرانی بیشتر گوشت وجود دارد؛ آیا قرار است با گوشت قرمز وارداتی (همان گوشتی که با قیمت کمتر در میادین تره‌بار شهرها عرضه می‌شود و متقاضیان آن که گاهی ساعت‌ها در صف می‌ایستند، مزدبگیران کم‌درآمد هستند) به شیوه‌ای مشابه «نان» برخورد شود؟

قیمت نان در روزهای ابتدایی مرداد در خراسان رضوی ۴۳ درصد گران شد و همان روزها این خبر به رسانه‌ها رسید که قرار است در ۱۳ استان دیگر هم نان گران شود؛ از قضا مقامات وزارت صمت، آن خبر را هم تکذیب کردند و گفتند گرانی در کار نخواهد بود اما یک هفته که گذشت، مقامات رسمی وزارت صمت گرانی را تایید کردند و البته یک اسم جدید برای این افزایش قیمت گذاشتند: «متناسب‌سازی و اصلاح قیمت».

حالا این نگرانی هست که همین روند «رسانه‌ای شدن-تکذیب-تایید» در مورد گوشت وارداتی نیز تکرار شود؛ و البته سوال اینجاست که تکلیف جای چیست؛ آیا تغییر گروه ارزی این کالا



## هیولای تورم و تأثیرات آن بر معیشت مردم

«قیمت یک کیلو گوشت» برابر با دستمزد دو روز کارگر / سبد غذایی کارگران با نشاسته پُر می‌شود

گوشت قرمز کیلویی ۵۵۰ هزار تومان است یعنی یک کیلو گوشت قرمز معادل دو روز دستمزد یک کارگر حداقل بگیر! گزارشی را که ملاحظه می‌فرمائید در رسانه رسمی ایران «ایلنا»، منتشر شده است. بیست و دوم مرداد، اخبار رسانه‌ها در مورد گوشت قرمز و ارز نیمایی واردات آن، چنان ضد و نقیض بود که اوایل صبح، اخباری از تغییر گروه ارزی گوشت بیرون آمد به همراه یک نامه رسمی، که نشان می‌داد قرار است تغییراتی در ارز گوشت اعمال شود. آیا باز هم موج جدید گرانی در راه است؟ خبرنگار رسمی و کوشای ایران، «نسرین هزاره مقدم»، که بیش‌تر در مورد وضعیت معیشتی کارگران و مزدبگیران قلم می‌زند، گزارش زیر را منتشر کرده است.

\*\*\*

### نامه‌ها و اخبار پیاپی

ابتدا تصویر نامه «نرگس باقری زمردی»، مدیرکل دفتر صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت، وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت به دفتر فناوری این سازمان در تاریخ دهم مرداد منتشر شد که بر اساس آن، معاونت توسعه بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی، محل ارز واردات انواع گوشت قرمز را از گروه



Photo: Mah

## «پریگوژین» ساده لوح بود!

«احمد زید آبادی»، روزنامه‌نگار در کانال تلگرام خود نوشت: «پس از شورش نیروهای تحت رهبری پریگوژین، رهبران غربی بارها تأکید کردند که در کار ولادیمیر پوتین بخشش معنا ندارد و او به زودی رهبر گروه واگنر را هدف انتقام‌جوئی خود قرار می‌دهد و به تیرغیب گرفتار می‌سازد.

این پیش‌بینی با توجه به روحیه پوتین، چندان هم عجیب نبود، آنچه در این میان عجیب بود، این بود که پریگوژین پس از سال‌ها هم‌نشینی و همکاری با پوتین، این نکته ساده را دریافته بود و با اعتماد به قول و وعده رهبر کرملین و رفیقش لوکاشنکو، ساده‌لوحانه خود را در معرض انتقام‌جویی آنان قرار داد و جانش از دست رفت. از این به بعد گویا باید به حرف غربی‌ها در باره رفتار و روحیات پوتین بیشتر توجه کرد تا گفتار شخص خودش! غربی‌ها گفتند که او مصمم به حمله به او کرایین است، اما خودش بارها انکار کرد، اما آنچه در روی زمین رخ داد، حمله گسترده به او کرایین بود. این هم که از مورد پریگوژین! غربی‌ها به او هشدار دادند که به وعده بخشش پوتین اعتماد نکنند، و گرنه عزرائیل در انتظار اوست. گوش نکرد و نتیجه‌اش را دید!

### پی‌نوشت:

این آقای «یوگنی پریگوژین» «ساده لوح» قبل از عزم «شورش»

هم نادرست است؟! و البته یک مساله دیگر هم در این میان مطرح است؛ گوشت قرمزی که پایین‌ترین قیمت انواع منجمد آن، کیلویی بیش از ۳۰۰ هزار تومان است و نرخ هر کیلو گرم و تازه‌ی آن بیش از ۵۰۰ هزار تومان، امروز دیگر در سبد خالی کارگران شاغل و بازنشسته جایی ندارد؛ برخی کارگران و بازنشستگان در تماس با ما گفته‌اند در هر ماه حتی یک کیلو گوشت قرمز هم نمی‌خرند. در شرایطی که گوشت قرمز از سبد مصرفی بخشی از مردم حذف شده، دیگر چه جایی برای اصلاح قیمت بیشتر است، حتی برای انواع رستورانی آن؟!!

### یک کیلو گوشت قرمز معادل دو روز دستمزد

فرازز توفیقی (فعال کارگری) در این رابطه به ایلنا می‌گوید: متأسفانه خیلی از گروه‌های کالایی به تدریج از گروه ۲۱ به گروه ۲۲ منتقل شده‌اند و البته خیلی از کالاها به بهانه‌های مختلف گران شده‌اند؛ دام زنده به بهانه‌ی قاچاق گران شده؛ شکر به یک بهانه‌ی دیگر و برنج هم همینطور. افزایش هزینه‌های زندگی برای کارگران، قابل کتمان نیست.

او ادامه می‌دهد: وزیر کار بی‌اعتنا به درخواست ترمیم مزد کارگران می‌گوید آن دستمزدی که ما مصوب کرده‌ایم کف مزد است، کارگر برود خودش با کارفرما چانه‌زنی کند! پس آقای وزیر، نقش شورای عالی کار چیست؛ آیا نقش چانه‌زنی بین کارگر و کارفرما ندارد؟ اگر اینطور است، چرا نشست برگزار می‌کنید؟ توفیقی با اشاره به گرانی کالاهای پروتئینی مانند گوشت می‌گوید: گوشت قرمز کیلویی ۵۵۰ هزار تومان است یعنی یک کیلو گوشت قرمز معادل دو روز دستمزد یک کارگر حداقل بگیر. در اروپای غربی، حقوق ساعتی کارگر حداقل ۱۴ یورو است که با یک ساعت کار این کارگر می‌شود در همان‌جا، دو کیلو گوشت خرید! اما من کارگر ایرانی باید دو روز کار کنم تا یک کیلو گوشت بگیرم.

به گفته وی، هیولای تورم به معیشت ضعیف کارگران حمله آورده است، نمایندگان مجلس نیز در این شرایط سکوت پیشه کرده‌اند و قدمی در راستای احقاق حق کارگران برداشته نمی‌شود و در این میان، برداشته شدن ارزش ترجیحی کالاهای خوراکی، ماه‌هاست که مزید بر علت شده به گونه‌ای که کاهش قدرت خرید در نهایت منجر به عدم خرید شده است. توفیقی تأکید می‌کند: با قیمت‌های فعلی، کارگران نمی‌توانند پروتئین و ویتامین مصرف کنند، فقط مصرف‌کننده‌ی نشاسته و روغن هستند که البته نان هم گران شده است و نشاسته هم دیگر ارزان نیست!

خرید گوشت برای کارگر حداقل بگیر و بازنشسته‌ای که ۹ یا ده میلیون تومان حقوق ماهانه دارد ممکن نیست؛ وقتی باید دو روز کار کنی و پولش را کامل کنار بگذاری که بتوانی یک کیلو گوشت قرمز بخری و فقط یک وعده غذای پروتئینی برای یک خانواده‌ی چهارنفره فراهم کنی، خرید به امری محال مبدل می‌شود.\*



## نگاهی گذرا به تاریخ و وقایع کشور

### روسیه از ابتدای قرن بیستم تا به

### امروز

از آخرین سال‌های حکومت «نیکلای دوم»، «تزار» روسیه، تا به امروز بیش از صد سال می‌گذرد. اگر بگوئیم که در این صد و خورده‌ای سال، کشور روسیه به مانند دریائی متلاطم، روی آرامش، مگر در دوره‌ای نسبتاً کوتاه، به خود ندیده است، سخن به گراف نگفته‌ایم!

در زمان «نیکلای دوم»، که از ۱۸۹۴ تا ۱۹۱۷، به مدت ۲۳ سال «تزار» روس بود، روسیه در جگرگه کشورهای امپریالیستی بود. شرکت «تزار» در جنگ امپریالیستی اول جهانی در اواسط سال ۱۹۱۴، برای اکثریت مردم فقیر و زحمتکش روسیه حاصلی به جز خرابی کشور، ویرانی، قحطی، گرسنگی، آوارگی و کشتار در پی نداشت! این جنگ خانمان‌سوز، به اعتراضات و اعتصابات و نارضایتی‌های گسترده مردم علیه تزارسیم دامن زد. کمونیست‌ها (بلشویک‌ها) به رهبری «لنین» بزرگ با درایت و تیزهوشی موفق شدند در اکتبر ۱۹۱۷، به کمک کارگران و دهقانان فقیر، دولت تزارسیم را سرنگون و برای نخستین بار در تاریخ سرمایه‌داری، طبقه کارگر را به قدرت برسانند، مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را ملغی کنند و روسیه تزاری را از جنگ امپریالیستی خارج نمایند.

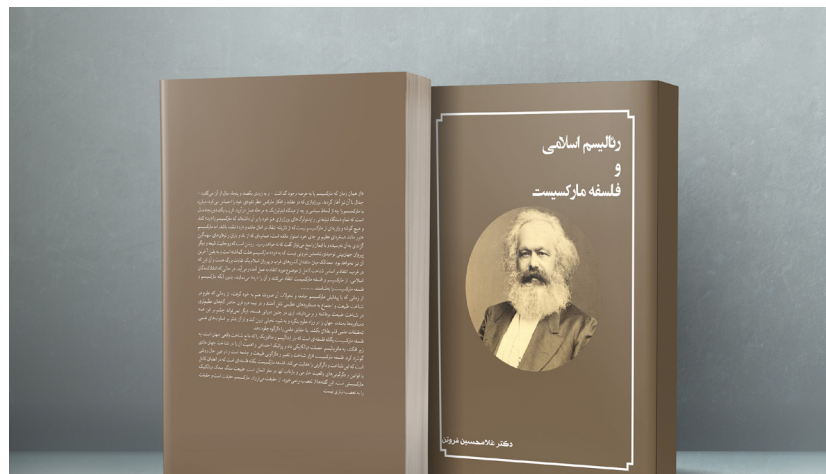
از ابتدای انقلاب اکتبر، علی‌رغم مصائب زیاد، توطئه دشمنان، خرابکاری‌ها، جنگ‌های داخلی و تجاوزات نظامی چهارده

به طرف مسکو و رهبران غربی «ساده لوح و کم عقل در «ناتو» به سرکردگی آمریکا، قبل از تهاجم همه‌جانبه علیه روسیه به قصد تجزیه آن کشور، به فکرشان نرسید که یک تماسی با اصلاح‌طلبان عاشق غرب و دشمن روسیه و چین، نظیر «احمد زیدآبادی»، «عباس عبدی»، «صادق زیباکلام»، «موسی غنی‌نژاد»، «حسین مرعشی» و «عباس میلانی» و امثالهم، بگیرند تا این روسیه‌شناسان و چین‌شناسان «چیره دست»، که «پوتین» و «شی جین پینگ» را هم مثل کف دست‌شان می‌شناسند، اطلاعات کافی و هشدار لازم را بگیرند و «ساده لوحانه» به «پوتین» اعتماد نکنند و جان خود را از دست ندهند!

به گفته آقای «احمد زیدآبادی» با اینکه «رهبران غربی بارها تأکید کردند که در کار ولادیمیر پوتین بخشش معنا ندارد» (و لابد بخشش و عطوفت خاص رهبران غربی است که هر چه «حقوق بشر»، «آزادی»، «دموکراسی»، «رفاه»، «امنیت» و «پیشرفت» را با هواپیماهای جنگی و بمب‌های ناپالم و کشتار میلیونی برای مردم جهان به ارمغان می‌برند)، برای «احمد» آقا عجیب آمد که چرا «پریگوژین» به نصیحت رهبران غربی گوش نگرفت، تا مرگ‌اش امثال «زیدآبادی»‌ها را مصیبت‌زده کرده باشد؟!

ترس امثال «زیدآبادی» و یاران غرب‌گرا و ضدچین و روسیه نیز در این است که آمریکا و ناتو هم به هشدار او گوش ندهند و گرفتار خشم مردم قهرمان روسیه و پوتین بشوند و به مانند آلمان نازی شکست و تسلیم را بپذیرند! «پوتینی» که در بین مردم روسیه بیش از هشتاد درصد محبوبیت دارد!

فرومایگی و بی‌سوادی سیاسی از حد که بگذرد، ابله‌ی و نادانی و سرسپردگی بیارمی آورد!!



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

بورژوازی، اتحادشوروی را نابود و از صحنه روزگار محو و نابود کردند!

لازم است تأکید شود که شکست شوروی به هیچوجه شکست سوسیالیسم نبود، بلکه شکست سیاست‌های ضدسوسیالیستی رویزیونیست‌های خائن از «خروشچف» تا «گورباچف» بود.

عجیب آنکه رویزیونیست‌های وطنی، روسی و کشورهای دیگر در جهان هنوز هم دو قورت و نیم‌شان باقی است و به مانند ملاًها با آوردن انواع حدیث و روایت، به هر برزن و درزن سر می‌کشند، تا بگویند که فروپاشی «شوروی» کار آمریکائی‌ها و «مائوئیست‌های» چین در زمان «مائو» بوده نه تجدیدنظر در احکام مارکسیسم - لنینیسم توسط دار و دسته «خروشچف»؟! و هنوز مدعی‌اند که «شوروی» تا قبل از فروپاشی، واقعا و به حضرت عباس سوسیالیستی بوده است!

«پوتین» و یارانش پس از استعفای «یلتسین»، سکان کشتی در حال غرق شدن را به دست گرفتند و «پوتین»، رئیس جمهور کشور روسیه شد. او اقتصاد ورشکسته روسیه را تا حدودی رشد داد. در زمان او صنایع و تولیدات پیشرفت کردند و او یارانش توانستند مردم را از فقر و گرسنگی و از ورشکستگی کامل نجات دهند.

«پوتین»، رئیس جمهوری، و یا رهبر کارگران روسیه نیست. چنین انتظاری هم از او نمی‌رود، ولی به نظر می‌آید که با کارگران و اقشار پائین جامعه کمی تا قسمتی همبستگی دارد، اما سیاست کلی اقتصادی‌اش در جهت منافع سرمایه‌داران و الیگارش‌های مالی روسیه است. با اینکه فدراسیون روسیه کشوری امپریالیستی است، ولی در حال حاضر و در شرایط کنونی جهان خطری برای کشورها و صلح جهانی محسوب نمی‌شود! بنابر این حاکمیت سرمایه‌داری در روسیه به هیچوجه مانع آن نیست و نباید باشد که از روسیه در قبال تجاوزات و حملات نظامی کشورهای «ناتو» به سرکردگی آمریکا، که شکست کشور و تجزیه آن به مانند «یوگوسلاوی» سابق را در سر می‌پروراند، دفاع نشود! همه آن گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی در ظاهر «چپ» ولی در باطن راست با همه لفاظی‌های ماوراء چپی‌شان، که جنگ روسیه و ناتو در اوکراین را جنگ امپریالیستی ارزیابی می‌کنند، خواسته و ناخواسته در سمت پیمان تجاوزگر ناتو قرار دارند و کباده کش آمریکا و ناتو هستند!

ما در بالا و به اختصار چهار دوره تاریخی، تزاریسم دوران «نیکلای دوم»، سی سال سوسیالیسم لنین - استالین، حاکمیت سی و چند ساله رویزیونیست‌ها و بعد آن ریاست جمهوری «پوتین» در روسیه را، بدان خاطر آوردیم که به نیروی جوان و

کشور سرمایه‌داری جهان علیه حکومت نوپای کارگری، ملت روسیه تحت رهبری داهیان لنین و جانشین برحق او «استالین» کبیر، این کمونیست برجسته و به راستی فولاد و معمار ساختمان سوسیالیسم، موفق شدند کشور عقب‌مانده و جنگ‌زده روسیه را به کشوری پیشرفته، قدرتمند و سوسیالیستی تبدیل کنند و در همین زمان هم قوی‌ترین و وحشی‌ترین قدرت فاشیستی جهان آن روز، یعنی امپریالیسم آلمان را به زانو دریاورند و تقریباً نصف جهان را از بلای این نیروی اهریمنی نجات دهند.

بعد از درگذشت «استالین» در سال ۱۹۵۳ دار و دسته رویزیونیست خروشچف قدرت سیاسی را به دست گرفتند. قدرت‌گیری رویزیونیست‌ها به راحتی و طی فرآیند دموکراتیک صورت نگرفت، بلکه همراه با دغلکاری و فریبکاری، توطئه، شانتاژ، تهدید و ترور انجام گرفت. رویزیونیست‌ها با ریاکاری و به بهانه دفاع از لنینیسم، بزدلانه و به دور از چشم و گوش مردم، به ۳۰ سال تلاش و پیکاری بی‌امان «استالین» و حزب کارگر شوروی سوسیالیستی علیه سیستم ضدانسانی سرمایه‌داری و علیه دشمنان رنگارنگ سوسیالیسم، یورش بردند و انواع دروغ‌ها و تهمت‌ها بر «استالین» بزرگ بستند و چاکری خود را با خوش‌رقصی تمام به بورژوازی و به تمامی نیروهای ضد کمونیستی جهان آشکار نمودند و آستان بوس در گاه بورژوازی شدند!

سی و چند سال پس از حاکمیت رویزیونیست‌های خائن و در حرف «سوسیالیسم»، ولی در عمل چاکران سرمایه، با آوردن تزه‌های من‌درآوردی تحت نام «حزب تمام خلقی»، «دیکتاتوری تمام خلقی»، «گذار مسالمت‌آمیز»، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لنین - استالین را چنان به ورطه فساد و تباهی کشاندند که احزاب کمونیستی و کارگری جهان را در بهت و حیرت فروبردند و ضربه جبران‌ناپذیری به وحدت و یکپارچگی کمونیست‌های جهان و ایران وارد کردند. نه تنها ساختمان سوسیالیسم شوروی را ویران کردند، بلکه در زمان حاکمیت «گورباچف» و «یلتسین»، به پیروی از اقتصاد «نئولیبرالی» و خصوصی‌سازی «میلتون فریدمنی» تحت نام روسی «گلاسنوست» و «پرسترویکا»، به معنی شفاف‌سازی سیاسی و بازسازی اقتصادی، درهای کشور را به روی سرمایه‌سالاران دزد و غارت‌گر بین‌المللی گشودند و تمام اموال، دارائی‌ها، صنایع و ثروت‌های کشور را به الیگارش‌های خارجی و داخلی به مفت فروختند! بنا به نوشته خانم «نائومی کلاین» در کتاب «شوکت درمانی»، سیاست اقتصادی «بازار آزاد» سبب کمبود مواد غذایی، قحطی و تورم و گرانی گردید و ۶۰ درصد مردم روسیه را به فقر و گرسنگی و گدائی کشاند!

به این ترتیب خائنان به طبقه کار و کارگر و خادمان به



## یک حمله تروریستی دیگر در «شاهچراغ» شیراز

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) در محکومیت حمله تروریستی

به گزارش «خبرگزاری فارس» حرم شاهچراغ در شیراز بار دیگر مورد حمله یک فرد مسلح قرار گرفته است. این فرد از در «باب المهدی» این زیارتگاه قصد ورود به حرم را داشته است که با مقاومت و مواجهه نیروهای حفاظت مواجه می‌شود. در پی این حمله تاکنون ۴ نفر کشته و شماری نیز مجروح شده‌اند. طبق «خبرگزاری فارس» یک فرد مسلح دستگیر شده و مظنون دیگر متواری شده است.

لازم به یادآوری است در یک اقدام تروریستی توسط داعش در ۴ آبان ۱۴۰۱ به حرم شاهچراغ در شیراز، ۱۳ نفر جان باختند و ۲۵ نفر مجروح شدند.

«العزائم»، بازوی رسانه‌ای شاخه خراسان گروه تروریستی داعش، یکماه قبل طی بیانیه‌ای اعلام کرد که انتقام اعدام «محمد رامزشیدی» و «نعیم هاشم قتالی» از عوامل اصلی حمله تروریستی داعش به حرم شاهچراغ را خواهد گرفت.

این دو شخص در سحرگاه ۱۷ تیرماه ۱۴۰۲ در شیراز اعدام شدند.

قابل ذکر است حمله تروریستی داعش در سال گذشته از سوی سازمان‌های اپوزیسیون خارج از کشور و دشمنان ایران محکوم نگردید و اینبار نیز آنرا محکوم نخواهند کرد و باز هم خواهند گفت: «کار خودشان» است!! چنین سیاست ارتجاعی به معنی تأیید تروریسم و کشتار مردم بیگناه است.\*

بی‌اطلاع کشورمان از تاریخ صد و اندی ساله روسیه، تذکری داده باشیم که روس ستیزی و ضدروس بودن به همین سادگی‌ها نیست! نباید چهار مرحله تاریخی و پرفراز و نشیب کشور روسیه در صدسال اخیر را یک کاسه کرد و هر چه تهمت و ناسزا است نثار این کشور نمود! حکما گفته‌اند: «کسی که از موضوع و واقعای بی‌اطلاع و یا کم‌اطلاع باشد، نباید درباره آن موضوع اظهار نظر کند، چه رسد به فحش دادن و ناسزا گفتن! مخالفت بی‌دلیل و منطقی با روسیه و حمایت از سیاست‌های غرب وحشی و دشمنان تاریخی ایران و کشورهای سه قاره، پیروی از رسانه‌های ایرانی مزدور در خارج و از «اصلاح‌طلبان» داخلی غرب‌گرا، که نقش ستون پنجمی غرب را بازی می‌کنند، ناشی از ناآگاهی نسل جوان از تاریخ صدساله ایران و روسیه است و بی‌اطلاعی از وقایع تلخ و ناگواری است که امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا در این صدسال بر کشور ما روا داشتند و هنوز در سر خیال تجزیه روسیه و ایران را دارند!

هوش زیادی نمی‌خواهد تا درک شود که امپریالیست‌های ناتوئی به فرماندهی آمریکا، که در جنگ اوکراین حریف ملت روسیه نشدند، سیاست «جنگ کثیف» را پی گرفتند و به عملیات تروریستی نظیر انفجار لوله گاز «نورداستریم»، خرابکاری و تلاش در انفجار نیروگاه هسته‌ای «ژاپروژنا»، ارسال گلوله‌های حاوی اورانیوم، ارسال پهبادهای انتحاری و تخریب کامل سد «کاخوفکا» بر روی رودخانه «دنی پیر» و به زیر آب رفتن خانه‌های مسکونی و زمین‌های کشاورزی روی آوردند که نشان از ماهیت کثیف غرب وحشی دارد! باید با چشمان باز و با عقل و منطق و نه از روی احساسات و دنباله‌روی کورکورانه، با مسائل ملی و بین‌المللی برخورد کرد! باید مطالعه و سوال و باز هم مطالعه کرد تا آلت دست هر ناکس ضدبشر و بی‌وطن خارجی و داخلی قرار نگرفت! باید در راه آزادی، آزادگی، استقلال و میهن‌دوستی گام زد!! باید به دنبال سازماندهی و تشکیلات و وحدت بود! بدون رهبریت حزب راستین واحد طبقه کارگر، نیروها، هر روز به کژراهه خواهند رفت! در فقدان حزب و تشکیلات نمی‌توان بر دشمنان بی‌رحم و غدار پیروز شد! چاره و تنها راه رهایی، تشکیلات و باز هم تشکیلات است!!

بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!

با این یورش‌های تبلیغاتی مرتب کاربران حاکمیت ایران را به اقداماتی واکنشی و نه مبتکرانه وادار می‌کردند که تا به امروز نیز این روند ادامه دارد.

این سلاح تبلیغاتی چاقویی نیست که این دشمنان اخیرا به دست گرفته باشند. خوب است به تاریخ چند سال گذشته ایران بازگردیم. وقتی تروریست‌های اسرائیلی برای نخستین بار به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، در دوران تسلط اصلاح‌طلبان آمریکائی و حامیان شورش کور کنونی دست زدند، دشمنان ایران فعال شدند و در فضای عمومی و در افواه شایع ساختند که رژیم خودش آنها را ترور کرده است و بی‌جهت آن را به اسرائیل مرتبط می‌کند. آنها برای قوت استدلال خود به اختلافات درون حاکمیت ایران متوسل می‌شدند. زمانی که بهترین فرزندان ایران را که تعدادشان رسماً به ده‌ها نفر می‌رسید، دشمنان ایران آنها را به قتل می‌رساندند و ترور می‌کردند، این ایران‌ستیزان ضدبشر و فاقد شرافت ملی که هم ملبس به «حقوق بشر» و هم «لغو اعدام» بودند، برای تروریست‌ها دست می‌زدند، هلله می‌کردند و به جای همدلی با قربانیان ترور که توسط تروریست‌ها، منافع ملی ایران را مورد هجوم قرار داده بودند، به ایجاد فضای مسموم شک و تردید و مملو از سوءظن و بدگمانی مشغول بودند و اعلام می‌کردند «کار خودشونه». وقتی تروریست‌های اسرائیلی در تاسیسات هسته‌ای ایران خرابکاری می‌کردند و بمب می‌گذاشتند، این دشمنان مردم ایران باز مدعی بودند «کار خودشونه». آنها وقتی با این پرسش منطقی روبرو می‌شدند گیریم کار خودشان باشد که دانشمندان و اساتید ایران را ترور و یا صنایع ملی ایران را تخریب می‌نمایند، پس چرا شما از دانشمندان ایران که قربانی تروریسم هستند و یا از حفظ منافع ملی ایران دفاع نمی‌کنید و تروریسم را از هر جانب که باشد محکوم نمی‌نمایید؟ مگر مدعی نیستید که خود جمهوری اسلامی آنها را ترور کرده است؟ پس دیگر چه مانعی وجود دارد که دو برابر بیش‌تر، از این شهدای ملی به حمایت برخیزید و ترور را محکوم کنید؟ اگر از نظر شما «کار خودشان» باشد پس ابراز مسرت و دلخنکی و پای‌کوبی برای ترور دانشمندان ایرانی جنایت محض و همدستی با تروریسم است. شما باید تروریسم را محکوم کرده و از دستاوردهای ایران تجلیل کنید. ولی خودفروخته‌ها، وطن‌فروشان بی‌شرافتی را که ماموریشان توجیه تبلیغاتی تروریسم امپریالیسم و صهیونیسم است، با این حقایق و منطق چکار. این شگرد ستون پنجم نیز با شکست روبرو شد زیرا ارتش اوباشان و فواحش ۲۸ مردادی نه تنها در دانشگاه شریف سر باز کرد و خودنمایی نمود، بلکه در استکهلم، برلن، و بسیاری



## «کار خودشونه»، پوششی برای حمایت از تروریسم

تلخیصی از مقاله توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران شماره ۲۷۳ آذر ماه ۱۴۰۱

مقاله‌ای که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، تلخیصی از مقاله مفصلی است که در ارگان مرکزی توفان در سال گذشته پیرامون عملیات تروریستی داعش در شاهچراغ شیراز منتشر شد و از جوانب مختلف این ترور را مورد بررسی قرار داد؛ ضمن محکوم کردن آن به نقد و افشای اپوزیسیون ارتجاعی و ضدانقلابی حامی «انقلاب زن زندگی آزادی»، که در قبال این اقدام تروریستی سکوت پیشه کرده و یا آن را به رژیم نسبت داده‌اند، پرداخت و نقاب از چهره شان درید. مقاله تحلیلی کنونی پاسخ روشنی به عملیات تروریستی است که در ماه گذشته در مردادماه نیز در شاهچراغ رخ داده است؛ همه خوانندگان را به مطالعه این مقاله فرا می‌خوانیم:

«حتما مردم عزیز ایران با این عبارت ضدانقلاب و ستون پنجم صهیونیسم در ایران آشنا هستند. عبارت «کار خودشونه» را ضدانقلاب فرقه رجوی از سال‌ها قبل برای جنگ رسانه‌ای و ترکیبی از خودش اختراع کرد و در فضای مجازی توزیع نمود. هدف آنها از این کار، دادن پوشش تبلیغاتی بر تروریسم دشمنان مردم ایران و دامن‌زدن به جنگ رسانه‌ای است که جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در آن ناکارآمد و بسیار ضعیف بود و هنوز هم هست. فرقه رجوی و مرکز تل‌آویو

جهانی و متحد طبیعی آنها برای جنگ داخلی و انجام انقلاب مخملی زنانه در ایران هستید. حتی زمانی که داعش با افتخار مسئولیت این ترور را به عهده گرفت و شما را در وضعیت مضحکی قرار داد، شما حاضر نشدید طلب براءت نموده و نشان دهید از این جنایت داعش متزجرید. شما داعش را متحد خود می‌دانید و مشحون از کینه ضدایرانی هستید. رهبران شما در پی افسانه‌سرای دیگری برای مغزشویی شما برآمدند و شما ستون پنجمی‌ها به آن تمکین کردید. جالب است هیچ‌کدام از این سازمان‌های اپوزیسیون خارج از کشور و دشمنان ایران در قالب گروهک‌های فرهنگی، هنری، کانون‌های دوستی با ممالک میزبان، حقوق بشری، سازمان آمنتی، قومیت‌ها، نویسندگان، هنرمندان، موسیقی‌دانان، روشنفکران، شوراها و رهبران اصلاح‌طلب غرب حاضر نشدند تروریسم و داعش را محکوم کنند و با اما و اگر بیان کردند که «کار خودشونه» و با این کار اوج رذالت و بی‌شرافتی خویش را به نمایش گذاردند که خلق ایران هرگز آن را فراموش نخواهد کرد.

رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی نه در گذشته قادر بود با این دروغ‌ها و شایعات مبارزه کند و نه امروز این امکان را دارد، زیرا رژیمی که خود بر اساس تبعیض، دروغ و ریاکاری، قتل‌های زنجیره‌ای و اسید پاشی فعال بود و هست و تبعیض، تقيه و دادگاه ویژه روحانیت یکی از ارکان اداره حکومتش محسوب می‌شود، به قدری در نزد مردم بی‌اعتبار شده که ستون پنجم هر اتهامی را به راحتی و بی‌شرافتی مانند آهن‌ربا به پیشانی می‌چسباند. رژیم جمهوری اسلامی چوب سیاستی را می‌خورد که نتوانسته در عرض این ۴۳ سال از آن دست بردارد و یا حداقل کسانی را که بانیان این سیاست‌اند مهار کرده و مجازات نمایند. ببینید چگونه اصلاح‌طلبان غربی در ایران جولان می‌دهند و حامی بی‌ثباتی و فقدان امنیت ایران هستند و اعلامیه تهدیدآمیز صادر می‌کنند. چگونه به ناآرامی دامن می‌زنند و تجزیه‌طلبی را برای شرکت در حکومت و طلب سهم در کف حمایت خود می‌گیرند. آری! این دیگر واقعا «کار خودشونه».

شهرهای آمریکا نیز حضور فعال داشت و پرده شرم و حیا را دریده بود. دیگر نمی‌شد مدعی شد «کار خودشونه» زیرا این پرسش مطرح بود چرا جلوی این اوباش را نمی‌گیرید و برعکس به آنها میدان و بلندگو می‌دهید. پرسش این است شما که سرآمد خشونت و تفکر داعشی هستید و با قمه و ساطور در حرکتید، چرا جلوی دهان این دشنامگویان را نمی‌گیرید؟ فضای مجازی کنترل شده صهیونیستی در حالی که اظهار نظر مخالفان را سانسور می‌کند، میدان را برای تاخت و تاز این روسپی‌های ستون پنجم باز گذارده است. هدف از این کار روشن است. این اقدامات فقط نتیجه هرزگی نیست، بلکه یک سیاست راهبردی اطاق‌های فکری امپریالیستی است تا تقدس همه چیز را از بین ببرند، احترام‌زدائی کنند زیرا در عمق و نهاد تفکر مردم، فحاشی به دین، اتمه‌اطهار، رهبران مذهبی با فرهنگ عمومی جامعه همخوانی ندارد. اپوزیسیون ستون پنجم و جزئی از ارتش تجاوزکارانه ناتو می‌خواهد نشان دهد که می‌شود به مقدسات نیز توهین کرد بدون این که کسی «سنگ» و یا «سیاه» شود. آنها نمایندگان «شارلی ابدو» در ایران هستند. دامنه این دشنام‌های زشت حتی نسبت به سپاه پاسداران و بسیجی‌ها و نیروهای انتظامی نیز سرایت یافته است تا حرمت هر چیز شکسته شود. این یک جنگ روانی برای مقابله با دستگاه‌هایی که دارای تقیده‌های دینی هستند می‌باشد، جمعی که توان مقابله با این هرزگی و شناعة را ندارند. آنها در پی آنند که میان ارتش و سپاه اختلاف ایجاد نمایند و از رفتن جوانان به نظام وظیفه بطور کلی و به سپاه بطور خاص ممانعت کنند.

همین روش تا اقدام تروریستی برنامه‌ریزی شده داعش به حرم شاه‌چراغ که بخشی از برنامه ستون پنجم و ارتش ناتو برای تقویت بی‌ثباتی داخلی ایران است ادامه یافته است. در این ترور آگاهانه دکتر سید فریدالدین معصومی از نخبگان کشور، فارغ‌التحصیل از نیوزلند و مدیر عامل هلدینگ برق و انرژی غدیر، مانند دانشمندان هسته‌ای ترور شد. این عده باز با عبارت «کار خودشونه» به میدان آمده‌اند و ما مجدداً می‌طلبیم که شما ستون پنجمی‌ها اجنبی ساکن در تیرانا و تل‌آویو، تروریسم را از جانب هر کس که باشد محکوم کنید. این تروریسم تا به امروز ۱۵ نفر قربانی داشته است. این قربانیان فرزندان ایرانند همانطور که مهسا امینی فرزند ایران بود. پس چرا شما از این شهیدان تجلیل به عمل نمی‌آورید، تصاویر آنها را در فضای مجازی به عنوان قربانیان ترور پخش نمی‌کنید و با خانواده شهدا مصاحبه انجام نمی‌دهید، خاله، دائی و یا عمه آنها را برای شهادت دعوت نمی‌کنید؟ زیرا شما خود بخشی از این ارتش داعش و تروریسم

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد**



چیز متفاوت خواهد بود. منبع: «روراست مدیا» نظرسنجی: تقریباً ۸۰ درصد از مردم نیجر از رهبران ارتش حمایت می‌کنند  
 نظرسنجی انجام شده توسط شرکت نظرسنجی **Premise Data** نشان داد که ۷۸٪ از پاسخ‌دهندگان در نیجر، از اقدامات رهبران نظامی حمایت می‌کنند و ۷۳٪ فکر می‌کنند که رهبران نظامی باید «برای مدت طولانی» یا «تا برگزاری انتخابات جدید» در قدرت بمانند. همچنین ۵۴ درصد گفتند که از مداخله سازمان‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی حمایت نمی‌کنند. از میان کسانی که از مداخله خارجی حمایت می‌کنند، ۵۰ درصد مایل‌اند این مداخله توسط روسیه صورت پذیرد.

### وقایع نیجر و تأثیرات آن بر انرژی فرانسه

- « **یکم:** نیجر کشوری بسیار فقیر، کویری و خشک در غرب آفریقا است که ۸۰ درصدش بیابانی است ولی سرشار از منابع معدنی اورانیوم، الماس و طلاست.
- « **دوم:** کشورهای معدودی مثل نیجر هستند که معادن اورانیوم سرشاری دارند، پس چرا نیجر اینقدر فقیر است؟ ([https://t.me/barahoot\\_TV](https://t.me/barahoot_TV))
- « **سوم:** نیجر در گذشته مستعمره فرانسه بوده و سال ۱۹۶۰ در ظاهر به استقلال رسید، اما همچنان فرانسه نقش مهمی در این کشور ایفا می‌کند. از آن طرف هم رگ حیات انرژی فرانسه به نیجر وابسته هست. چرا؟
- « **چهارم:** ۷۰ درصد برق مصرفی فرانسه با انرژی هسته‌ای تولید می‌شود و بخش زیادی از اورانیوم مورد نیازش را از آفریقا، خصوصاً نیجر تأمین می‌کند. ۲۴ درصد واردات اورانیوم اتحادیه اروپا از نیجر تأمین می‌شود.
- « **پنجم:** نیجر هفتمین تولیدکننده اورانیوم در دنیاست و ۶۰ درصد صادرات نیجر را شامل می‌شود. ۹۰ درصد از سهام شرکت «اورانو»، که استخراج اورانیوم در نیجر را به عهده دارد، متعلق به فرانسه هست.
- « **ششم:** حالا چرا گفتیم کودتا در نیجر می‌تواند باعث خاموشی بخشی از فرانسه بشود؟
- « **هفتم:** تولید برق در فرانسه وابسته به معادن ارزشمند کشورهای آفریقایی مثل نیجر هست، ولی جالب است بدانید تنها ۲۰ درصد مردم نیجر به برق دسترسی دارند! ([https://t.me/barahoot\\_TV](https://t.me/barahoot_TV)) مردم نیجر معتقدند که همچنان تحت استعمار فرانسه قرار دارند و برای همین از فرانسوی‌ها متنفرند.
- « **هشتم:** تا قبل از اتفاقات نیجر، در یکسال گذشته فرانسه از مالی و بورکینافاسو هم اخراج شده بود. بعد از وقوع کودتا، مردم نیجر مقابل سفارت فرانسه تجمع کردند و با آتش زدن پرچم فرانسه نفرت و انزجارشان را علیه فرانسوی‌ها و استعمار نشان دادند.
- « **نهم:** قصه نیجر را در بسیاری از کشورهای فقیر دیگر هم می‌شود دید. عمده پیشرفت و ثروت کشورهای صنعتی نتیجه غارت ثروت کشورهای ضعیفی مانند نیجر هست. استعمار هنوز هم زنده است و به غارت منابع کشورهای فقیر ادامه می‌دهد. نبرد مردم نیجر و سایر ممالک آفریقایی علیه امپریالیسم و استعمار تاریخ کن کردن آنها ادامه خواهد داشت.



## قیام مردم آفریقا علیه استعمارگران فرانسه

در طول نیم قرن گذشته، فرانسه ۶۷ کودتای نظامی را در ۲۶ کشور در آفریقا رهبری کرده است. ۱۶ مورد از این کشورها شوراهائی هستند که نفوذ فرانسه هنوز در آنها وجود دارد. در ۱۴ کشور آفریقائی، که زمانی مستعمره فرانسه بودند، «مالیات استعمار» وجود دارد. فرانسه سالانه میبالغ هنگفتی از آنها دریافت می‌کند - حدود ۵۰۰ میلیارد دلار. اینها شامل کشورهای آفریقائی می‌شود که تا سال ۱۹۵۸ تحت ظلم و ستم فرانسه بودند، زمانی که مستقل شدند.

کشورهای مانند بنین، بورکینافاسو، ساحل عاج، گینه، مالی، نیجر، سنگال، توگو، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، کنگو، گینه استوایی و گابن هنوز مالیات‌های استعمار را پرداخت می‌کنند. جمعیت این کشورها ۱۷۴ میلیون نفر، تولید ناخالص داخلی اسمی ۱۹۶ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی در قدرت خرید ۴۱۱ میلیارد دلار است.

فرانسه رسماً به سیاست استعماری خود پایان داده است، اما به اصطلاح استعمار اقتصادی ۱۴ کشور آفریقائی ادامه دارد. بخشی از بودجه مستعمرات به نام‌های مختلف و با اقلام مختلف به بانک مرکزی فرانسه می‌رسد. به این ترتیب، فرانسه حدود ۸۵ درصد از درآمد سالانه مستعمرات سابق خود را می‌گیرد. تلاش برای گذراندن ۱۵ درصد باقیمانده از بودجه، کشورهای آفریقائی را در مشکلات مالی قرار می‌دهد و مجبور می‌شوند پول خود را به عنوان بدهی از بانک مرکزی فرانسه پس بگیرند. کشورهای آفریقائی برای دریافت پول خود نمی‌توانند بیش از ۲۰ درصد مبلغی را که به فرانسه منتقل کرده‌اند، درخواست کنند. اگر بیش از این مقدار بخواهند، استعمارگر سابق آن را و تو می‌کند. فرانسه به نوبه خود مدعی است پولی را که بیش از یک قرن پیش برای ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها خرج کرده بود، پس می‌دهد.

هنگامی که یک حاکم در یک کشور آفریقائی از پرداخت مالیات استعماری خودداری می‌کند، یک کودتا رخ می‌دهد. این مورد قبل از حضور نیروهای روسی، به ویژه نیروهای «واگنر» بود. حالا همه



اطلاعات پیشین، «علی اکبر فلاحیان»، در مصاحبه تلویزیونی با «دهباشی» صریحا بیان کرد، بقای نظام را در پاکسازی زندان‌ها از زندانیان سیاسی و سرکوب و ارباب «ضد انقلاب» می‌دید، در غیر اینصورت «دوام نمی‌آورد، فرو می‌پاشید»!

اجرای «دکترین شوک» برای مقررات زدائی و لخت کردن جامعه و کوچک کردن سفره کارگران و فرودستان ایران امری حیاتی برای نظام سرمایه‌داری بود.

در سی و پنجمین سالگرد فاجعه تابستان و شهریور ۶۷ یاد همه جانبختگان راه آزادی، استقلال و سوسیالیسم را گرامی می‌داریم و آن را به سلاحی برای تشدید افشای بی‌امان رژیم خونریز سرمایه‌داری و به پیکار بر علیه امپریالیسم و نوکرانش پیوند می‌زنیم. تنها در این صورت است که یاد همه جانبختگان ۶۰ و ۶۷ را برای رهایی میهن از چنگال دیوافتان میهن گرامی می‌داریم و راهشان را ادامه می‌دهیم.

یاد همه رفقا و همه جانبختگان راه آزادی، استقلال و سوسیالیسم گرامی باد!  
 ننگ و نفرت بر تبهکاران حاکم!

## به مناسبت سی و پنجمین سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۱۳۶۷

سی و پنجمین سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۶۷ را پشت سر می‌گذاریم.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای ارباب مردم و تثبیت حاکمیت سرمایه‌داری، اجرا و ادامه سیاست‌های تعدیل اقتصادی/ نئولیبرالی، عفریت مرگ را بر بالای سر زندانیان به پرواز درآورد و با بی‌رحمی و شقاوتی غیرقابل توصیف هزاران انسان مبارز و انقلابی پُر امید را در بی‌دادگاه اسلامی تیرباران و یا به دار آویخت.

در کشتار شوم تابستان و شهریور ۶۷، رفقا «مهدی مهرعلیان(هاشم)»، «حجت آلیان (کیومرث)»، «فرهاد مهری پاشاکی»، از اعضای حزب کار ایران (توفان) نیز همچون خیل عظیمی از مبارزین دیگر به شهادت رسیدند. این رفقا جان تسلیم کردند، اما تسلیم نشدند.  
 رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی همانطور که وزیر



## برگی از تاریخ

بحرین، استانی که از ایران جدایش کردند

در ۲۳ مرداد سال ۱۳۵۰ پهلوی دوم در مذاکره با انگلیسی‌ها استان بحرین را، که همیشه تاریخ تحت حاکمیت ایران بود، از خاک ایران جدا کرد. نام فعلی بحرین به معنای ۲ بحر یا دریا به موقعیت خاص مجمع‌الجزایر بحرین در میان آب‌های محصور در خشکی اشاره دارد. اما نام باستانی بحرین «اوآل» بوده. ترکیبی از «او» به معنای آب و «آل» که یک پسوند تشابه فارسی است به مفهوم جایی که آب دارد. طبق اسناد تاریخی، حداقل تا یک سده قبل از میلاد مسیح، مجمع‌الجزایر بحرین ایرانی بوده. شرق‌شناسان می‌گویند در گذشته‌های دور یکی از فرمانروایان ایرانی، که بر این خطه حکم می‌راند، «اسپیدویه» نام داشت و به همین دلیل بحرینی‌ها را «اسپیدگان» هم می‌نامیدند.

در زمان ظهور اسلام فردی به نام «منذر بن ساوی» بر بحرین حکم می‌راند که ساسانیان او را انتخاب کردند، اما بعدتر از سوی خلفا نیز منصوب شد. چند قرن بعدتر با قدرت گرفتن سلسله‌هائی چون «آل بویه»، باز هم بحرین، در حاکمیت مطلق ایران قرار گرفت. در دوران صفویان و حکومت‌های پس از آن همچنان بحرین جزو ایران بود، تا اینکه در اوایل دوره قاجار، انگلیس به بهانه مبارزه با دزدان دریائی و تأمین امنیت

مسیرهای تجاری، بحرین را اشغال کرد. آن موقع انگلیس ناوگان مجهزی در خلیج فارس داشت و از سال ۱۱۹۹ شمسی نیز با حاکمان خودسر بحرین قرارداد امنیتی امضاء کرد و عمال بحرین تحت‌الحمایه انگلیس شد. از سال ۱۳۳۶ بنا به تقسیمات کشوری جدید، بحرین استان چهاردهم نامیده شد و این موضوع البته به نوعی اشاره به حق حاکمیت ایران بر بحرین داشت. انگلیس در اردیبهشت ۱۳۴۹ برای تأمین منافع سیاسی خود و بر اساس زد و بند با حاکمان بحرین، قطعنامه جدائی بحرین از ایران را به شورای امنیت سازمان ملل برد.

«اردشیر زاهدی»، وزیر خارجه وقت می‌گوید:

«نزد محمد رضا پهلوی رفتم تا در اینباره صحبت کنیم که شاه گفت: «انگلیس در هر حال بحرین را به حکام عرب خواهد داد و ما نمی‌توانیم کاری بکنیم. طبق معمول جدائی باید از طریق همه‌پرسی تعیین تکلیف شود».

اما تخلیه خلیج فارس است و قطعاً شاه و انگلیس توافق کردند یک نماینده از سازمان ملل فقط از ساکنان بحرین نظرسنجی کند. در نهایت به دبیرکل سازمان ملل گزارش شد مردم بحرین علاقمند به جدائی از ایران شدند. شورای امنیت هم در ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ قطعنامه‌ای صادر کرد و بحرین رسماً از ایران جدا شد. خیانت ملی، که مردم ایران نه آن را فراموش می‌کنند و نه می‌بخشند. \*



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### جامعه‌شناسی بورژوازی

جامعه‌شناسی بورژوازی در مورد تأثیر رشد و تراکم جمعیت دارای دو نظر متضاد و در عین حال نادرست است. در دورانی که بورژوازی و تولید سرمایه‌داری قوس صعودی خود را می‌پیمود، نظر علمای اجتماعی بر این بود که رشد جمعیت عامل تعیین‌کننده تکامل تولید است و سرعت تکامل جامعه با رشد و تراکم جمعیت نسبت مستقیم دارد، اما نظر دیگری که «مالتوس»، نماینده آن است، رشد جمعیت و تراکم آن را عامل ترمزکننده تکامل تولید و تکامل جامعه می‌داند و پدیده‌هایی مانند جنگ، بیکاری، افزایش فقر و بی‌خانمانی را ناشی از این عامل می‌شمرد.

در هر حال رشد و تراکم جمعیت، اگر در سرعت یا بطئی تکامل جامعه تأثیر دارد، عامل تعیین‌کننده تکامل اجتماعی، عامل تعیین‌کننده خصلت نظام اجتماعی نیست، چنانکه تراکم جمعیت در هند بیش از آمریکا در حالی که تکامل تولید در آمریکا با هند قابل مقایسه نیست، تراکم جمعیت در بلژیک

بیش از جمهوری توده‌ای سابق آلبانی است، حال آنکه نظام اجتماعی کشور آلبانی یک مرحله کامل تاریخی از بلژیک جلوتر است. وانگهی به کمک تراکم جمعیت نمی‌توان توضیح داد چرا به جای جامعه فئودالی جامعه سرمایه‌داری نشست و چرا این یک جای خود را به نظام سوسیالیستی خواهد داد.

گاهی نیز علم و معرفت به نیروهای طبیعت، عامل تعیین‌کننده تکامل تولید مادی قلمداد می‌شود، بر این اساس که نیروهای مولد محصول تکامل تکنیک است و تکامل تکنیک تابع پیشرفت علم. بدون شک تولید بزرگ صنعتی و کشاورزی معاصر بدون استفاده از دست‌آوردهای علوم طبیعی قابل درک نیست، اهمیت اکتشافات علمی و اختراعات در پیشرفت نیروهای مولد و تکنیک نیز نیازی به توضیح ندارد. اما نباید فراموش کرد که فعالیت تئوریک انسان از پراتیک تولیدی جدا نیست و بر اساس پراتیک بوجود می‌آید. به عبارت دیگر «پراتیک» بنیاد و پایه تئوری و نیروی محرکه تکامل آن است. جهت تکامل علوم و پیشرفت آنها از یکسو نتیجه پراتیک تولیدی و نیازمندی‌های تولید مادی است و از سوی دیگر نتیجه پیشرفت تکنیک و نیروهای مولد، زیرا که اگر رشد تولید وظائفی در برابر علوم طبیعی می‌گذارد، در عین حال باید وسائل انجام این وظائف را نیز در اختیار علوم قرار داد. بدون این وسائل علم نمی‌تواند وظائفی که تولید در برابر آن می‌گذارد، انجام دهد و این وسائل را ناچار باید تولید کرد. انگلس در یکی از نامه‌های خود چنین می‌نویسد:

«اگر آنگونه که شما اظهار عقیده می‌کنید، تکنیک تا درجه زیادی تابع وضع علم است، علم به درجه به مراتب بیش‌تری تابع وضع و بکار رفت تکنیک است. اگر در جامعه احتیاجی تکنیکی پدید آید، همین احتیاج علم را بیش از ده‌ها دانشگاه به پیش می‌راند. تمام هیدروستاتیک (توریچلی و دیگران) بر اثر نیازمندی تنظیم جریان آب‌های کوهستانی در ایتالیا در قرن ۱۶

# facebook

## TOUFAN.HEZBEKAR

### گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: سلام به مسئولین محترم توفان. من چند باری برنامه حزب کمونیست کارگری که رهبر و بنیانگذارش آقای منصور حکمت است را در تلویزیون تماشا کردم. بنده هوادار این حزب نیستم اما در نشریه توفان خواندم که این حزب عامل اجنبی و از «رژیم صهیونیستی اسرائیل» و یا کشورهای امپریالیستی دفاع می‌کند و پول هم دریافت کرده است. ممنون می‌شوم به سئوالم پاسخ دهید. ضمناً اگر سندی یا کتابی هم در این رابطه دارید، برایم ارسال کنید. سپاس. امضا. دانیل. دانمارک. ۱۸ اگوست ۲۰۲۳

**پاسخ:** دوست گرامی، درود بر شما، مختصر اینکه «حزب کمونیست کارگری» تحت رهبری اندیشه‌های «منصور حکمت» یا همان «ژوبین رازانی» با دولت اسرائیل رابطه داشته و دارد و یا مجاز دانستن دریافت کمک مالی از رژیم غیرقانونی و متجاوز اسرائیل، پدیده تازه‌ای نیست. سالهاست این امر ناپاک افشا شده و خوب است باز هم بیش تر افشا شود. امروز مردم ما با دو عفریت داخلی و خارجی سر و کار دارند و پیوند این دو مبارزه امری حیاتی برای جنبش دمکراتیک و عدالت‌خواهانه ایران است. افشای عوامل عفریت خارجی در خدمت مبارزه علیه عفریت داخلی برای آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی است.

«منصور حکمت» در ۱۹۹۹ در مصاحبه تلویزیونی لوس آنجلسی با مدیریت «صفا حائری» در مورد ماهیت سیاسی نظام حاکم در اسرائیل چنین گفت:

«... از نقطه نظر سیاسی، اسرائیل مدرن‌تر، دموکراتیک‌تر، غربی‌تر است اگر زندان‌های مخصوصی دارد، ولی امکان اعتراض و انتقاد هم در آنجا هست».

«منصور حکمت» برای مشروعیت بخشیدن به رابطه سیاسی با دولت اسرائیل و دریافت کمک مالی یک قرار تاریخی و راه‌گشا قرار ۱۰۲۸ را در دفتر سیاسی حزب به تصویب رسانید که بر این اساس رابطه سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای اسلامی در منطقه را غیرمجاز اعلام داشت و در ادامه این سیاست تمام تبلیغات

و ۱۷ ایجاد گردید».

امروز همه کس می‌داند که تجارت و کشتیرانی در دریا، علم نجوم را ضروری ساخت، مباحث دانش فیزیک در نتیجه احتیاج جامعه به تکامل تکنیک تولیدی پدید آمد و رشد یافت، مسئله ماشین بخار، مبحث ترمودینامیک را ایجاد کرد، مفهوم نوع در گیاهان و جانوران، مفهومی، که دارای اهمیت بسیاری است، از کشاورزی و دامپروری سرچشمه گرفت، در سرمایه‌داری، رشد تکنیک و بنابر این تولید مادی، محصول رقابت در بازار و مبارزه طبقاتی است. البته در همه جا و همه حال ارتباط رشد علوم با نیازمندی‌های جامعه تا این اندازه مستقیم نیست، همینکه یک تئوری از نیازمندی تولیدی جامعه بیرون آمد، در کنار آن و به طفیل آن تحقیقات علمی دیگری صورت می‌گیرد که می‌تواند به نوبه خود بر تولید تأثیر بسیاری بگذارند، ولی بدون تولید، علم در حال رکود و انجماد باقی خواهد ماند.

بعلاوه امکانات استفاده از اکتشافات علمی نیز خود تابع خصلت شیوه تولید و درجه تکمیل نیروهای مولد است. فقط شیوه تولید سرمایه‌داری به استفاده از علوم در صنعت و کشاورزی امکان داد. اما در عین حال سرمایه‌داری، زمانی که به مرحله انحصاری گام گذارد و قیمت‌های انحصاری در بازار فروش برقرار گردید، دیگر به اکتشافات علمی و تکنیکی میدان نداد و حتی از استفاده از اکتشافات علمی و فنی تا حدود زیادی دست کشید، زیرا اکتشافات تازه ناگزیر تغییراتی در تکنیک موجود پدید می‌آورد و باید ماشین‌های جدیدی به جای ماشین‌های کهنه نشانید، چیزی که متضمن مخارج زیادی است و انحصارها به سهولت به آن تن در نمی‌دهند.

گاهی نیز اینطور به نظر می‌رسد که رشد تولید مادی تابع نیازمندی‌ها و مصرف افراد جامعه است. هر اندازه نیازمندی‌های افراد متنوع‌تر و مصرف بیش تر باشد، تولید مادی نیز پا به پای آن پیش می‌رود. اما باید توجه داشت که اگر نیازمندی‌ها و مصارف افراد بر توسعه و تکامل تولید تأثیر می‌گذارد، ولی در آخرین تحلیل «تولید» است که نیازمندی و مصرف ایجاد می‌کند. نیاز افراد جامعه به رادیو، تلویزیون و غیره عامل تولید این اشیاء نبود، بلکه تولید، این کالاها را به وجود آورد و مصرف آنها را نیز ایجاد کرد. اگر نیازمندی‌های افراد جامعه نه از لحاظ خصلت و نه از لحاظ وسعت در مراحل مختلف تکامل جامعه بشری یکسان نیست به علت درجه تکامل تولید مادی جامعه است. تولید نه تنها ایجادکننده مصرف، بلکه تعیین‌کننده نوع مصرف نیز است. چنانکه احتیاج به روشنایی می‌تواند با شمع، با چراغ نفتی یا با چراغ گاز ارضا شود. تنها زمانی که تولید چراغ برق را آفرید، استفاده از برق برای روشنایی عمومیت یافت.

از اینجا روشن است که رشد مصرف و نیازمندی‌های افراد بر تولید مادی تأثیر می‌گذارد، ولی عامل تعیین‌کننده تکامل آن نیست. \*

از دفتر سیاسی این حزب به رهبری «ایرج آذرین» و «رضا مقدم»، که سال‌ها پیش از «منصور حکمت» انشعاب کردند، در کتابی بطور مفصل به مسئله ارتباط حکمت با اسرائیل و به افشای مجاز دانستن دریافت کمک مالی از رژیم آپارتاید و فاشیست اسرائیل دست زدند.

ساده‌انگاری است هر آئینه تصور شود که مخارج هنگفت تبلیغاتی «حزب کمونیست کارگری» از طریق حق عضویت‌ها و کمک داوطلبانه اعضا تأمین گردد!! اعضائی که هیچ خصلت انقلابی ندارند و مشغله فکری‌شان رواج سکسیسم و فرهنگ پوسیده مصرفی لیبرالی است. آکسیون‌های «انقلابی‌شان» نیز از برهنگی در خیابان‌های لندن، پاریس و استکهلم و آمستردام ... و اعتراض به حجاب اسلامی فراتر نمی‌رود. آیا از چنین اعضائی، که هیچ تعلق خاطری به مردم زحمتکش ایران ندارند، انتظار فداکاری و از خودگذشتگی و گذشتن از جان و مال خویش دارید؟ خیر! چنین نیست! هزینه‌های کلان رادیو و تلویزیون و نشریات و کادرهای حرفه‌ای این جریان از منابعی تأمین می‌شود که خود بدان اذعان داشته‌اند. لازم به یادآوری است در سال‌های اخیر «حسن ماسالی» در مصاحبه با تلویزیون صدای آمریکا و قیحانه از دریافت کمک مالی از رژیم‌های قذافی و عراق و یمن ..... سخن گفت و به تأیید آن پرداخت. همین فرد همه فن حریف و فرصت‌طلب در گذشته به انکار آن می‌پرداخت و به نیروهای وفادار به مردم و انقلاب توهین و فحاشی می‌کرد و عربده می‌کشید و می‌گفت: «مدرک دارید رو کنید!!» حالا پیروان حزب «منصور حکمت» نیز همین را می‌گویند: «مدرک دارید رو کنید!!» به باور ما مدرک و اسناد تا همین اندازه کافیتست که این حزب را به عنوان یک حزب اسرائیلی و مدافع امپریالیسم بشناسیم و محکوم کنیم. امروز هر جریان سیاسی، که رک و پوست‌کنده دست رد به سینه کمک‌های مالی امپریالیستی نزند و بکوشد به توجیه این سیاست ارتجاعی بپردازد، جایی در بین مردم ایران و نیروهای انقلابی و مستقل و عدالت‌خواه ندارد. آنها که سکوت کرده‌اند حتماً ریگی در کفش دارند و باید با افشاگری آنها را به زبان آورد. برای شناخت دقیق‌تر و بیش‌تر از این حزب اسرائیلی، لینک دو کتاب در این مورد را، که توسط حزب کار ایران (توفان) منتشر شده است، در ذیل می‌آوریم. مطالعه صبورانه این دو کتاب را برای شناخت صحیح از این حزب و سازمان‌های مشابه توصیه می‌کنیم.

برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم.

**در افشای ماهیت «حزب کمونیست کارگری ایران» - جلد اول**

<http://www.toufan.org/Ketabkhaneh/H%20kk%20Hekmat%20jeld%201.pdf>

**در افشای ماهیت «حزب کمونیست کارگری ایران» - جلد دوم**

<http://www.toufan.org/Ketabkhaneh/Hezb%20KK.Iran%202.pdf>

سیاسی این حزب علیه «اسلام سیاسی» در منطقه بوده و از رژیم صهیونیستی «مدرن و دمکراتیک اسرائیل» و تجاوزات امپریالیستی به «ممالک اسلامی» به دفاع برخاسته و متحد عمل نموده است. دفاع از استعمار در لباس کمونیسم کارگری! «منصور حکمت» از تجاوز امپریالیسم آمریکا به افغانستان تحت این عنوان، که به تضعیف اسلام سیاسی می‌انجامد، به دفاع برخاست: «به نظر من آمریکا وارد جدال با اسلام سیاسی شده است. این یک جنگ قدرت است. این کشمکش منطقیاً به تضعیف اسلام سیاسی منجر می‌شود.... جنگ افغانستان بر سر تجدید تعریف رابطه غرب با اسلام سیاسی است» (نقل از گفتار «منصور حکمت» در انترناسیونال هفتگی ۲۰ مهر ۱۳۸۰). وی سرنگونی رژیم طالبان توسط ناتو را مثبت ارزیابی نمود و مخالفین بمباران افغانستان را محکوم نمود.

«منصور حکمت» به لحاظ نظری و تفکر سیاسی به این نتیجه سیاسی رسید که باید از تجاوز امپریالیسم و رژیم صهیونیستی اسرائیل به عنوان «قطب متمدن و مدرن و سکولار» به ممالک اسلامی و «عقب‌افتاده و غیرمتمدن» دفاع کرد» و این سیاست را در قالب مبارزه علیه «اسلام سیاسی» مطرح و به اجرا درآورد. تئوری «سناریوی سیاه و سفید» وی نیز بر همین اساس فرموله گردید. تجاوز به افغانستان، دفاع از اسرائیل در مقابل فلسطین «اسلامی عقب‌افتاده» و حذف کردن واژه «صهیونیسم» در ادبیات سیاسی و تصویب قطعنامه در دفتر سیاسی برای دریافت کمک مالی از دولت اسرائیل همه دال بر همدست شدن با امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلق‌های منطقه و ایران است. امروز پیروان واقعی «منصور حکمت»، که در حزب «کمونیست کارگری» به رهبری «حمید تقوائی» به فعالیت مشغول‌اند، همان سیاست دفاع از امپریالیسم و صهیونیسم را ادامه می‌دهند. سرنگونی رژیم لیبی توسط ناتو «انقلاب مردم» نام گرفت و از آن به دفاع برخاست. جنگ نیابتی امپریالیسم غرب به رهبری آمریکا و تسلیح تروریست‌های داعش و القاعده و سلفی و وهابی علیه رژیم سوریه «انقلاب مردم سوریه» نام گرفت!! دمکراتیک و مترقی نامیدن رژیم بربر و فاشیست و نژادپرست اسرائیل، همه دال بر این است که جریان «منصور حکمت» از یک سیاست استعماری معین در قالب تئوری جنگ تمدن‌های پرفسور نژادپرست آمریکا «ساموئل هانتینگتون» به دفاع برخاسته به اشغالگری و تجاوز به کشورها برای غارت منابع طبیعی و مستعمره کردن آنها لیبیک گفته است. «منصور حکمت» با نفی تئوری امپریالیسم به عنوان بالاترین مرحله سرمایه‌داری و مبارزه ضد امپریالیستی به سرنوشت غم‌انگیزی دچار شد که امروز شاهدش هستیم. فلاکت این حزب از همینجا آغاز شد. این حزب «لنینیسم» را به دور ریخت و با کاریکاتور «حکمتیسم» به میدان آمد و امروز به همدست امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و منطقه بدل شده است. طبیعی است که چنین حزبی با چنین ماهیتی مورد حمایت مادی و معنوی صهیونیست‌ها و امپریالیسم قرار گرفته و می‌گیرد. اکثر اعلامیه‌های «حزب کمونیست کارگری» به طور وسیعی از طریق رادیو اسرائیل تبلیغ و پخش می‌شود. آیا این امر تصادفی یا فقط ناشی از یک اشتباه سیاسی است؟ خیر! چنین نیست! حتا بخشی

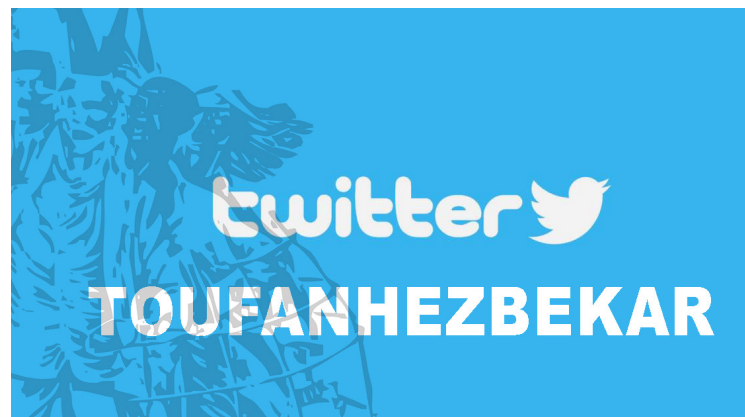
**یکم اینکه** ما مخالف بمب اتمی هستیم و شعار «خلع سلاح اتمی» درست‌ترین شعار برای مبارزه علیه میلیتاریسم امپریالیستی و برای صلح است. نخستین کشوری در جهان که باید خلع سلاح اتمی شود، آمریکا است. اما در شرایط کنونی نمی‌توانیم حق داشتن سلاح اتمی کشورهای ضعیف را رد کنیم، اگرچه مخالف نفس بمب اتمی هستیم. این حق همانند حق طلاق است، اگرچه ما مبلغ طلاق و جدائی نیستیم. آمریکا این حق را فقط برای خود و اسرائیل و متحدینش محفوظ می‌دارد، اما برای دیگران ممنوع!!!

آمریکا از پرتاب بمب هسته‌ای بر فراز ژاپن برای مرعوب کردن شوروی سوسیالیستی و مردم جهان استفاده کرد، اما این کشور هیچگاه در بحرانی‌ترین شرایط علیه مردم آمریکا در داخل بکار نبرد، زیرا خطر نابودی خودشان و سیستم سرمایه‌داری وجود دارد و سرمایه‌داری برای سود خودش نیاز به سیستم دارد، نه نابودی آن و خودش!

رژیم جمهوری اسلامی هم اگر روزی این سلاح را تولید کند، برای سرکوب داخلی در خیابان‌های تهران و مشهد... نیست، برای استفاده در مقابل دشمن خارجی است. رژیم با نیروی سپاه و بسیج توانست ۴۴ سال مردم را سرکوب کند و نیازی هم به بمب اتم نداشته است. رژیم در سال‌های ۶۰ هزار بار بیش‌تر از امروز جنایت کرد و بمب اتم هم نداشت. ولی امروز در اثر رشد مبارزه مردم امکان برخورد با مردم را مانند گذشته ندارد، فضای جامعه تغییر کرده است و رژیم حتا با داشتن سلاح هسته‌ای هم توان ایستادگی در مقابل مردم را ندارد.

هر رژیمی که به مردمش تکیه نداشته باشد، حتا با داشتن سلاح اتمی، توسط مردمش سرنگون خواهد شد. سرنوشت آمریکا و هر کشور دیگر جز این نخواهد بود.

**دوم اینکه** شما از تعامل ایران با همه جوامع و تبادل اقتصادی صحبت می‌کنید که ما نیز موافقیم، اما می‌بینید که این آمریکا بود که همان «برجام» تحمیلی را برنتابید و آن را برهم زد. اگر منظور از «تعامل» تسلیم شروط آمریکا شدن است، ما با آن مخالفیم، زیرا ایران به نیمه مستعمره آمریکا تبدیل خواهد شد. از اینرو نباید حق داشتن سلاح اتمی را بر ماهیت رژیم ایران و رژیم‌های مشابه متمرکز کرد، زیرا ناخواسته به تأیید حق داشتن سلاح اتمی آمریکا و اسرائیل... که جنایاتشان کم‌تر از رژیم ایران نیست، درمی‌غلطیم. آمریکا می‌گوید سلاح اتمی حق او و اسرائیل و هم‌پیمانان اوست، چون «دمکرات و متمدن» هستند!؟ و رژیم‌هایی نظیر ایران، کره شمالی، کوبا، لیبی، عراق، ونزوئلا



## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: ضمن سلام و خسته نباشید به دست اندرکاران نشریه توفان. پرسش من این است که غرب نگران این است که رژیم اسلامی در حال تهیه سلاح اتمی است. صرف‌نظر از اینکه غرب با چه نیتی به این مسئله دامن می‌زند، آیا فکر نمی‌کنید دستیابی حکومت جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای موجب بقای بیش‌تر نظام و سرانجام فشار بیش‌تری بر مردم ایران تحمیل خواهد شد؟ عدم توافق ایران و آمریکا فشار اقتصادی بیش‌تری را برای مردم رقم خواهد زد. به نظرم عقب‌نشینی حکومت ایران و جلوگیری از افزایش غنی‌سازی اورانیوم و پرهیز از تحریکات سیاسی به نفع مردم ایران است. به نظرم اگر رژیم حمایت مردمی داشته باشد، بقایش بهتر تضمین می‌شود. پیشاپیش از پاسخی که به پرسش من دهید، تشکر می‌کنم. امضا: اسد. تهران. مرداد ۱۴۰۲

**پاسخ:** دوست عزیز! تشکر از نامه‌تان و پرسش بسیار مهم شما. باید خدمت‌تان عرض کنیم رژیم جمهوری اسلامی ایران حتا اگر دارای سلاح اتمی هم باشد، نمی‌تواند سرانجام در مقابل صف متحد مردم ایران دوام بیاورد. سلاح اتمی، یک سلاح بازدارنده در مقابل دشمن خارجی است و نه داخلی. اتحاد شوروی هم، که دومین کشور اتمی جهان بود، از درون پاشید و سلاح اتمی نتوانست نجاتش دهد. بنابر این سلاح اتمی یک ابزار بازدارنده در مقابل دشمن خارجی است و مصرف داخلی نخواهد داشت. در پاسخ به پرسش شما مبنی بر اینکه حزب ما در مورد سلاح اتمی چه می‌گوید، به چند نکته مهم اشاره می‌کنیم:

و بولیوی... ضددمکراتیک و غیرمسئول و جنایتکار هستند! این یک جنگ ایدئولوژیک علیه مخالفان است که با توسل به این ترغیب آنها را از حق داشتن سلاح اتمی باز دارد. لذا، ما باید این حربه ایدئولوژیک را از این سرکردگان جهان بگیریم و در استدلال مان آنها را خلع سلاح کنیم.

**سوم** تاکید ما این است؛ سلاح اتمی، ضدبشری است باید در سراسر جهان برچیده شود.

**چهارم** خلع سلاح فوری اتمی از قدرتمندترین کشور دنیا، یعنی آمریکا که بیشترین سلاح اتمی را داراست و تاکنون از آن بر ضد بشریت، در ناکازاکی و هیروشیما... بکاربرده است، آغاز کنیم.

**پنجم** نابودی هرگونه سلاح اتمی در غرب آسیا (منطقه خاورمیانه) منطقه ای بدون سلاح اتمی که باید از اسرائیل شروع کنیم. حکومت متجاوز و صهیونیست اسرائیل دارای ۳۰۰ کلاهک اتمی است و هم اکنون به جز کل سرزمین فلسطین، بخش هایی از ممالک سوریه و لبنان را به اشغال خود درآورده است.

**ششم** عمده ترین خطر در شرایط کنونی برای صلح در جهان، امپریالیسم آمریکاست و باید از زورگویی های او ممانعت به عمل آوریم و تساوی حقوق ملل را تبلیغ کنیم.

**هفتم** بدون تردید از هرگونه اتهامی باید تأکید کنیم که ایران دارای **صفر** تعداد سلاح اتمی است. چیزی ندارد که بخواهد خلع سلاح شود. آمریکا تلاش دارد با تبلیغات کرکننده اش، موشک های تدافعی بالستیک دور زن ۲۰۰۰ کیلومتری را از ایران بگیرد و پس از خلع سلاح، همان بلایی را که بر سر عراق و لیبی درآورد، بر سر ایران درآورد. حزب ما با این خلع سلاح حتا با تمام نفعی که از رژیم دارد، مخالف است. زیرا این امر به موجودیت و تمامیت ارضی ایران لطمه می زند.

**هشتم** متأسفانه با جهانی امروز سر و کار داریم که قانون جنگل در آن حاکم است و برای بقا ناچاریم به همه سلاح ها تسلیح شویم تا بلعیده نشویم! آمریکا با تهدیداتی که می کند، ممالک را به تولید سلاح اتمی سوق داده و می دهد، باید در مقابل این حربه ارعاب و زورگویی ایستاد. نکته مهمی که باید بیش تر روی آن متمرکز شد، این است که

آمریکا در کل سر دشمنی با هر رژیمی دارد که تسلیم اوامرش نمی شود، وای به روزی که این رژیم یک رژیم دمکراتیک و یا سوسیالیستی باشد. مطمئناً حملات اش و دشمنی اش صد چندان بیش تر خواهد شد.

با شما کاملاً موافقیم که اگر رژیم پشتوانه مردمی می داشت، علی رغم همه فشارهای خارجی امکان بقایش بهتر تضمین می شد. و می توانست تعرض آمریکا را خنثی کند. ولی در هر حال تا زمانی که شما با هرانگیزه ای به دنبال استقلال سیاسی خود هستید و به هر دلیلی اوامر واشنگتن را بر نمی تائید، مورد بی مهری و تعرض او قرار می گیرید، زیرا سرمایه مالی سیادت می خواهد، نه آزادی سیاسی، سلطه بلامناع می خواهد و نه استقلال سیاسی ملل. امپریالیسم نقض استقلال سیاسی ملل را برای پیشبرد سیاست راهبردی خود نیاز دارد و این از ماهیت جهان خواری او برمی خیزد. پس هدف امپریالیسم دمکراسی و حقوق بشر نیست، این ها ابزار فریب افکار عمومی و جنگ ایدئولوژیک علیه مخالفان است و نباید آن را باور کرد. آمریکا چه با ممالک مستقلى، که سیستم چند حزبی پارلمانی و دمکراتیک دارند، مانند بولیوی و ونزوئلا مخالف است و چه با ممالک تک حزبی و سکولاری مثل کوبا و کره شمالی و چه با حکومت مذهبی و غیر سکولار ایران و سوریه سکولار مشکل دارد و خواهان نابودی آن هاست. ولی از طرفی از عربستان سعودی، که یک حکومت کاملاً عقب مانده و قرون وسطائی است، حمایت می کند و با او مشکلی ندارد. زیرا همان طور که متذکر شدیم امپریالیسم یعنی ارتجاعی سیاسی و الحاق طلبی و دشمنی با آزادی سیاسی ملل یعنی استقلال سیاسی آن ها.

برایتان موفقیت آرزو می کنیم، باز هم برایمان بنویسید!



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)  
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید





www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کلایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کلایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کلایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کلایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346